نشریه الکترونیکی فارکس یار
forexyar.com



دوره معامله گری پرایس اکشن

استراتژی‌ها و مفاهیم رسیدن به ثروت در بازارهای مالی



نایل فولر

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان کتاب	راهنمای استفاده از اکسپرت شبیه ساز معاملات برای متاتریدر ٤
ترجمه	تیم ترجمه فارکس یار
مولف	نایل فولر
ناشر	فارکس یار
صفحه آرایی و طرح جلد	فارکس یار
سال انتشار	۱۳۹۸
فروشنده	فارکس یار
نوبت ویرایش	ویرایش دوم
قیمت	۲۹۵۰۰ تومان

حق کپی محصولات فارکس یار

فارکس یار یک موسسه خصوصی است که هدف آن "نشر دانش بازارهای مالی به زبان فارسی" می باشد. تمامی هزینه های تهیه و ترجمه محتوا از محل فروش محتوای منتشر شده در وب سایت فارکس یار تامین می گردد.

لذا محصولات فارکس یار تنها برای فردی است که "**فقط**" بهای آن را از طریف وب سایت فارکس یار به آدرس *forexyar.com* پرداخت کرده باشد. در غیر اینصورت هرگونه استفاده از آن شرعا حرام و قانونن مجاز نمی باشد.

فهرست مطالب

رفع مسئولیت قانونی

با مشاهده هر گونه مطالب یا استفاده از اطلاعات در این سایت یا محتوای این آموزش، شما موافق هستید که این مطالب آموزشی عمومی است و کسی مسئول از دست دادن یا خسارت ناشی از محتوای ارایه شده در اینجا توسط learntotradethemarket.com یا هر یک از اعضای انجمن از جمله نایل فولر نمی باشد.

آتی، گزینه ها[1]، و معامله گری ارز محلی پاداش های بالقوه زیادی دارند، اما ریسک بالقوه زیادی نیز دارند. شما باید از خطرات آگاه باشید و مایل به پذیرش آن ها به منظور سرمایه گذاری در آتی و بازار گزینه ها باشید. با پولی که نمی توانید از دست بدهید، معامله نکنید. این وب سایت نه یک درخواست است و نه پیشنهاد خرید یا فروش آتی، فارکس یا گزینه ها. هیچ نمایندگی مجازی نیست که هیچ شرحی به سود و زیان مشابه آن هایی که در این محتوا مورد بحث و بررسی قرار می گیرند دست پیدا کند. عملکرد گذشته هر سیستم یا روش‌شناسی معاملاتی لزوما نشان دهنده نتایج آینده نیست.

قانون CFTC ۴٫۴۱ - فرضیات یا نتایج عملکرد شبیه سازی شده این محدودیت ها را دارند. برخلاف یک سابقه عملکرد واقعی، نتایج شبیه سازی شده بیانگر معاملات واقعی نیستند. به علاوه، از آن جا که معاملات اجرا نشده اند، نتایج ممکن است در صورت وجود هر گونه، از عوامل خاص بازار، مانند فقدان نقدینگی، تحت فشار قرار داشته باشند. برنامه های معامله گری شبیه سازی شده در کل در حال حاضر موضوع اصلی هستند که آن ها با سود و واپس نگری وفق داده می شوند. هیچ توضیحی در مورد این که هر حساب و یا احتمالا برای دستیابی به سود یا زیان های وارد این برنامه می شود وجود ندارد.

[1] آپشن: در این خصوص فارکس یار کتاب معاملات باینری آپشن برای مبتدیان را ترجمه و منتشر کرده است.

کمترین چیزی که دریافت می کنید

- یادگیری ۳ نوع تنظیمات معاملاتی رفتار قیمت.
- پیدا کردن آسان ورودی های خود در چارت روزانه.
- پیدا کردن یک تنظیمات معاملاتی رفتار قیمت، گذاشتن سفارش ورودی، گذاشتن سفارش حدضرر و حدسود.
- بینشی از ذهن من و معامله گران به دست می آورید.
- پیدا کردن یک تنظیمات معاملاتی رفتار قیمت و دانستن اینکه چطور آن را معامله کنید.
- معامله گری بدون احساس.
- پشتیبانی مداوم از طریق ویدئو[2]

رئوس مطالب- چیزی که یاد خواهید گرفت

- مفهوم معامله گری برای سود ...
- اعمال ریسک / پاداش با حاشیه ی برنده
- چه چیزی باعث ورود خوب می‌شود؟
- تنظیمات رفتار قیمت - جای پای پول.
- ۳ تنظیمات معاملاتی که سود ثابت می‌سازند.
- ساختار بازار و الگوهای تکراری.
- ردیابی روندهای بازار و یافتن سطوح کلیدی.
- دنبال کردن مسیری که کم ترین مقاومت را دارد.
- بهترین روش ورود رفتار قیمت.
- عادات ذهنی معامله گران برنده.
- جمع بندی برای پیروزی.

---

[2] با توجه به ترجمه بودن این کتاب این گزینه قابل دسترس نمی باشد

مقدمه

معامله گر عزیز،

می خواهم با تبریک گفتن به یک سرمایه گذاری عالی در آینده معاملاتیتان شروع کنم. در این درس یاد می گیرید که معامله گران حرفه ای برای دهه ها چه کاری انجام داده اند و این « معامله گری رفتار قیمت[۳] » است.

شما در حال یادگیری هنر خواندن چارت و آنالیز رفتار قیمت هستید. یاد می گیرید چطور فکر کنید، چطور عمل کنید و چه موقع عمل کنید. شما با معامله گری شب و روز سپری خواهید کرد. با یک هدف در ذهن، «برنده شدن».

قرار نیست هیچ گونه بازگشت مالی به شما وعده داده شود، برخی از شما شکست خواهید خورد، برخی از شما بعد از یادگیری این مطالب به معامله گری حرفه ای تبدیل خواهید شد. تنها امید من این است که شما باور کنید آنچه در اینجا می خوانید، تجربیات شخصی من است، این روشی است که من با آن معامله می کنم، و در بازارها پول به دست می آورم. شما نمی توانید انتظار داشته باشید که همه چیز را در اینجا یاد بگیرید، اما ابزارهای آن تهیه شده اند.

این دوره شاهدی بر موفقیت خودم است، و من بسیار مفتخرم که این دانش که در دهه گذشته به دست آورده ام، را با شما به اشتراک بگذارم. امیدوارم به این حقیقت احترام بگذارید که هیچ دو سبک معاملاتی شبیه هم نیستند، و همچنین معامله گران منحصربه فرد نیستند، بنابراین همه شما از افکار و فعالیت های من با آنالیز بازار لذت نخواهید برد.

به جمع کسانی که این مطالب را در بر می گیرند و آن را به بازار معاملاتی فارکس خود اعمال می کنند .... بتازید و سود ببرید.

نایل فولر

رئیس کل

www.learntotradethemarket.com

[۳] پرایس اکشن: در این کتاب از عبارت "رفتار قیمت" بجای آن استفاده شده است.

معامله گری با شرایط بر وفق مراد شما

شتاب حرکت بازار و رفتار قیمت یک حاشیه ی تعریف پذیر برای معامله گران حرفه ای است. یک ضرب المثل قدیمی وجود دارد که معامله گران حرفه ای نیمی از حرکت های بزرگ را در بازار از دست می دهند، و من با بی میلی موافقم.

من بعد از ۶ سال تجربه ی معامله‌گری در بازار به این نتیجه رسیده ام که اگر چه سیگنال های رفتار قیمت و روندها همواره در حال رخ دادن هستند، اما اغلب مخالف یکدیگر میباشند، من نمی‌توانم یک سیستم معاملاتی سودآور را توسط ۱ معامله با شرایط خاص تعریف کنم.

در حالت ایده آل، من می خواهم ۲ و اغلب ۳ پارامتر یا بیشتر را با یکدیگر ترکیب کنم، صرفا و فقط به این دلیل که با استفاده از «تلاقی سیگنال ها» می توانم به راحتی یک سیستم معاملاتی سودآور را تعریف کنم.

در طول زمان، به آن اشاره کردم و مقدار مساوی از سیگنال های رفتار قیمت در مناطق تصادفی چارت و هم تراز با روندها یا سطوح افقی رخ خواهند داد.

من به دفعات متوجه شدم که اغلب معاملات سود آور من، زمانی که سیگنال های رفتار قیمت در روندهای بسیار واضح یا در مناطق کلیدی در بازار هستند، روی می دهند. در ابتدای کار، درگیر تمام حرکات بزرگ در بازار شدم، تا اینکه یک روز متوجه شدم که باید قوانین سختگیرانه ای وضع کنم، حتی اگر این به معنای از دست دادن ۵ مورد از ۱۰ معامله در ماه باشد! .

بنابراین به طور خلاصه، من سیستم سودآور خود را در بازار، تنها بعد از همترازی بیش از یک قانون ورودی خودم، تعریف کردم، که به من امکان افزایش شانس موفقیتم را می دهد. علاوه بر این، با انجام این کار، تمایل به دریافت حرکات بزرگ‌تری در بازار دارم، چون اغلب، از نقاط عطف اصلی، یا از اواسط روند طبیعی برای انجام معاملات خود استفاده می‌کنم.

نایل فولر

هیچ جادویی وجود ندارد

اگر به اندازه ی کافی شانس لازم برای پیدا کردن نوعی از سیستم های مکانیکی فارکس که چندین ماه برای شما به خوبی کار می کنند را دارید، بیشتر اوقات، این مدل های معامله گری برای از بین بردن معامله - گران تازه کار در آینده ی نزدیک به کار خواهند رفت. به همین دلیل است که سیستم های کوچک مکانیکی فارکس در «معامله گری واقعی» جایی ندارند. بهترین آنها نیز در نهایت بی فایده هستند.

بسیاری از مربیان یا سیستم های معامله گری، هیچ چیز عملی را آموزش نمی دهند، آن ها صفحاتی را با «زباله» پر می کنند تا پولی به دست آورند. آن ها مسائل مربوط به پایه و اساس تحلیل بازار را نادیده می گیرند ، در آموزش روش هایی که با بازار تغییر می کنند، و همچنین در آموزش موضوعات پویایی قیمت و رفتار قیمت ناموفق عمل می کنند.

زمانی که به دنبال یک راهنما یا یک رویکرد معاملاتی هستید، نباید به دنبال سیستمی بگردید که قوانین ثابتی داشته باشد. تمام معامله گران بزرگ از نوعی «احتیاط» و «احساس باطنی» استفاده می کنند. انتظار نداشته باشید که فردا نیز همانند امروز، همان معامله ی سودآور را داشته باشید، هر روز، بازار متفاوت است، و هیچ دو تنظیمات معاملاتی شبیه به یکدیگر وجود ندارد.

منطق معامله گری یکسان باقی می ماند، اما ما و بازار اینگونه نیستیم. برای یادگیری روزانه آماده باشید، و همچنین رویکرد خود را با شرایط بازار سازگار کنید.

اگر واقعا هنوز به دنبال یک سیستم جادویی برای معامله گری هستید، هنوز هم در دنده ی یک قرار دارید. من نیاز دارم که شما را به دنده‌ی دوم برسانم، حریص و تنبل بودن را کنار بگذارید، و لطفا مقداری مطالب واقعی و کاربردی یاد بگیرید تا به شما در کسب سود در بازار کمک کند.

هیچ میانبری برای توسعه یک استراتژی معاملاتی وجود ندارد، هیچ سیستم جام مقدس گونه ای، و هیچ سیستم کاملا خودکاری وجود ندارد که معامله گران کوچک از آن برای معامله ی بازار استفاده کنند. بازیکنان بزرگ بازار همواره مزیت برنده بودن را خواهند داشت و تنها شانس ما این است که یاد بگیریم، چگونه با حرکات قیمت این بازیکنان بزرگ همراه شویم.

به دلیل فقدان یک عبارت بهتر، باید یاد بگیریم که بازیگران بزرگ را پشت سر بگذاریم و بازار را بخوانیم ...

ابتکار عمل از طریق تجربه به دست می آید

تبدیل شدن به یک معامله‌گر بزرگ همانند انجام یک ورزش دشوار، مانند تنیس، فوتبال یا بسکتبال است. یادگیری قوانین آسان است، اما همانطور که همه ی ما می دانیم، بازی کردن دشوار است و نیازمند آموزش و تجربه برای توسعه مهارت ها و شهود در طول زمان می باشد. عنصر مشترک در اغلب ورزشکاران موفق این است که آن ها خیلی زود شروع به ورزش می کنند و نقشه ی موفقیت خود را در طول زمان به تدریج در مغز خود رشد می دهند.

برخی از آن ها سال ها به سختی تمرین می کنند تا بر یک ورزش خاص مسلط شوند، بسیاری شکست می خورند، و درصد کمی پیشرفت خواهند کرد و برخی حتی در رشته ی ورزشی خود، حرفه ای می شوند. آن هایی که به سادگی شکست می‌خورند، لازمه های این کار را ندارند، رویاها و آرزوهای دیگر را می یابند و به زندگی خود ادامه می دهند.

این منطق برای معامله گری نیز یکسان است. برخی از پس آن بر می‌آیند و برخی نیز شکست می خورند، برخی از معامله‌گران خصوصی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰،۰۰۰ دلار در هفته درآمد دارند، برخی حتی ممکن است سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از این کار درآمد داشته باشند. برخی سالیان متوالی پول خود را از دست می دهند و در نهایت تسلیم می شوند، که این یک انتخاب عاقلانه است.

من یکی از آن افراد خوش شانس هستم، در سن ۱۵ سالگی شروع به معامله گری کردم، و در حالی که سالانه میلیون ها دلار در سال به دست نمی آورم، زندگی بسیار خوبی برای خود دست و پا کرده ام. دلیل کسب پول من از بازارها این است که می‌توانم رفتار قیمت و چارت ها را به درستی بخوانم. من واقعا معتقدم که این یک معیار تجربه و شهود است. من استراتژی‌های اساسی را آموزش دیده بودم، اما راهی که می‌توانم معامله را فیلتر کنم و بفهمم که چه چیزی در مقابل من در حال وقوع است است، بخشی از کار معامله گری می باشد که نمی توان آن را آموزش داد، و من آن را از مدرسه ی تجارب یاد گرفتم.

بدیهی است که برخی استراتژی های بسیار ابتدایی برای کمک در این بازی که ما آن را معامله گری می نامیم، وجود دارد. برخی آن را در سطح عمومی بازی خواهند کرد، برخی به سطح پیشرفته حرکت خواهند کرد، برخی هنر را کامل خواهند کرد و تبدیل به معامله‌گران حرفه‌ای خواهند شد.

به یاد داشته باشید، یک قضاوت معاملاتی قدرتمند، مجموع سال ها تجربه در معامله گری است. بیشتر یادگیری ناخودآگاه ما با معاملات زنده ی رفتار قیمت، گوش دادن به مربیان معامله گری، یا مطالعه در مورد مفاهیم معاملاتی مختلف مثل این دوره ی آموزشی به ما آموزش داده شده است.

نکته ی کلیدی

به یاد داشته باشید، یک قضاوت معاملاتی قدرتمند، مجموع سال ها تجربه در معامله‌گری است. بیشتر یادگیری ناخودآگاه ما با معاملات زنده ی رفتار قیمت، گوش دادن به مربیان معامله گری، یا مطالعه در مورد مفاهیم معاملاتی مختلف مثل این دوره ی آموزشی به ما آموزش داده شده است.

واقعیات معامله گری

اگر قضاوت معاملاتی خوب، کلید موفقیت باشد، اما قضاوت معاملاتی خوب تنها پس از سال ها تجربه در بازار به دست می‌آید، چگونه یک معامله گر مشتاق مانند شما امیدوار است که به موفقیت دست پیدا کند؟ من اغلب چنین سوالی را دریافت می کنم؟ و این یک سوال عادلانه است. ...

بدون حاشیه به شما می گویم، حقیقت این است که تمام معامله‌گران بزرگ باید «تلاش های سخت» را انجام دهند. همانند یادگیری راه رفتن توسط یک کودک نوپا، معامله گران باید راه رفتن در بازارها را یاد بگیرند.

یک میان بر کوتاه، به طور طبیعی، پیدا کردن یک مربی از جمله خودم، و همچنین ادامه ی جستجو برای یافتن استراتژی های معامله گری رفتار قیمت، و تجربه رفتار دست اول بازار است.

چارچوب های زمانی کوتاه تر، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی هستند، بنابراین، معامله در یک چارت ۵ دقیقه ای می تواند یک ابزار یادگیری سریع باشد، حتی اگر یادگیری شما «آنچه که نباید انجام دهید» باشد، تجربه، چه خوب یا چه بد، تجربه است...

به طور خلاصه، سفر در مسیر موفقیت معاملاتی، به صورت غیرقابل اجتنابی شامل صرف زمان در پشت صفحه نمایش کامپیوتر و کسب دانش بازار است. هدف این دوره‌ی آموزشی، راهنمایی و کمک به شما در تفسیر داده های است. شما باید هنر خواندن چارت ها و رفتار قیمت را مدیریت کنید.

در حالی که من نمی توانم به شما قول موفقیت در معامله گری را بدهم، صادقانه معتقدم اگر شما اطلاعات موجود در این دوره را مدیریت کنید، و به مطالعه و کاربرد استراتژی های مربوط به رفتار قیمت و معامله از حوزه های ارزش در روندها ادامه دهید، شانس شما برای تبدیل به وضعیت حرفه ای، ۱۰۰ برابر خواهد شد.

بیایید شروع کنیم...



مفهوم معامله گری فارکس

معامله گری جهت دار فارکس، هنر استفاده از حرکات قیمت در بازار معاملات بین بانکی و یا بازارهای سرمایه، برای کسب سود است. معامله گران ممکن است در یک معامله برای یک ثانیه یا یک دهه (۱۰ سال)، بسته به روش معاملاتی و برنامه‌ی معامله‌گری، درگیر باشند.

تمرکز ما عبارت است از دید کوتاه مدت از تسهیل قیمت از نقطه x به نقطه y

برای سود بردن از جنبش های بازار، ما باید جهت قیمت را به درستی پیش بینی کنیم، یک ورودی برای معامله اتخاذ کنیم، سپس پوزیشن را بین سطح حدضرر از پیش تعیین شده و سطح سود، مدیریت کنیم.

برای پیروزی در بلند مدت، معامله گران باید یک برنامه‌ی معاملاتی با یک سیستم خوب آماری را توسعه دهند. رفتار قیمت، روندهای بازار، و حمایت / مقاومت به ابزار معاملاتی ما در ایجاد این سیستم تبدیل شده اند.

هر تنظیمات معاملاتی دارای درجه ی منحصربه فردی از نسبت پاداش به ریسک است. جمله کلیشه ای «برنده های خود را بزرگ تر از بازنده هایتان کنید» ، مهم ترین راه برای ثروت است. اغلب، معامله گران تمرکز خود را از دست می دهند، و فراموش می کنند که هر معامله می تواند به طور واقع بینانه‌ای به آن ها سود دهد. بازارها در خطوط مستقیم حرکت نمی کنند، با این حال معامله گران برای مدت طولانی انتظار یک برد عظیم را دارند، و به زودی ... آن ها شاهد ناپدید شدن این سودها خواهند بود. باید از رفتار حریصانه ی خود دست بکشید و قوانین خود را تنظیم کنید. پاداش مدنظر برای

تنظیمات معاملاتی من حدود ۳ تا ۴ برابر ریسک است، و من خوشحالم که این نوع پاداش را در نظر گرفتم. به این معنی است که من می توانم در هر ۳ یا ۴ معامله ۱ معامله برنده شوم و هنوز هم سود مناسبی در یک سری از معاملات به دست بیاورم.

به هنگام معامله گری در بازار فارکس، ما به طور موثر یک شرکت را اداره می کنیم. خسارات معاملاتی هزینه های کسب و کار هستند، برنده ها، درآمد ما هستند. بدترین سناریو، با توجه به اندازه ی حساب ۱۰۰۰۰ دلاری، ما باید در این شرکت سالیانه ۵۰۰ درصد سود کنیم تا زندگی خود را بچرخانیم! درخواست چنین چیزی مشکل است؟ بله!

یک سیستم معاملاتی برنده ی قدرتمند ...

معامله گران باید از روش هایی که سیستم قدرتمندی دارند برای ورود استفاده کنند، حتی اگر سیستم برنده کوچک باشد، ما با استفاده از یک مکانیزم ورودی که تمایل به تکرار خودش دارد، به عنوان ورود تصادفی استفاده می کنیم.

بسته به نسبت ریسک ما در مقابل پاداش، « سیستم» می تواند به اندازه ی برد ۲۵ درصد از کل معاملات باشد. هرچه نسبت پاداش به ریسک بالاتر باشد، نرخ برد مورد نیاز کاهش می یابد. هرچه نسبت پاداش به ریسک پایین تر باشد، نرخ برد مورد نیاز بیشتر خواهد شد.

روش هایی که یک سیستم برنده ی ساده در بازار دارند، همراه با نسبت پاداش بالا در مقابل ریسک، معامله‌گر را در بازی معاملاتی نگه خواهد داشت.

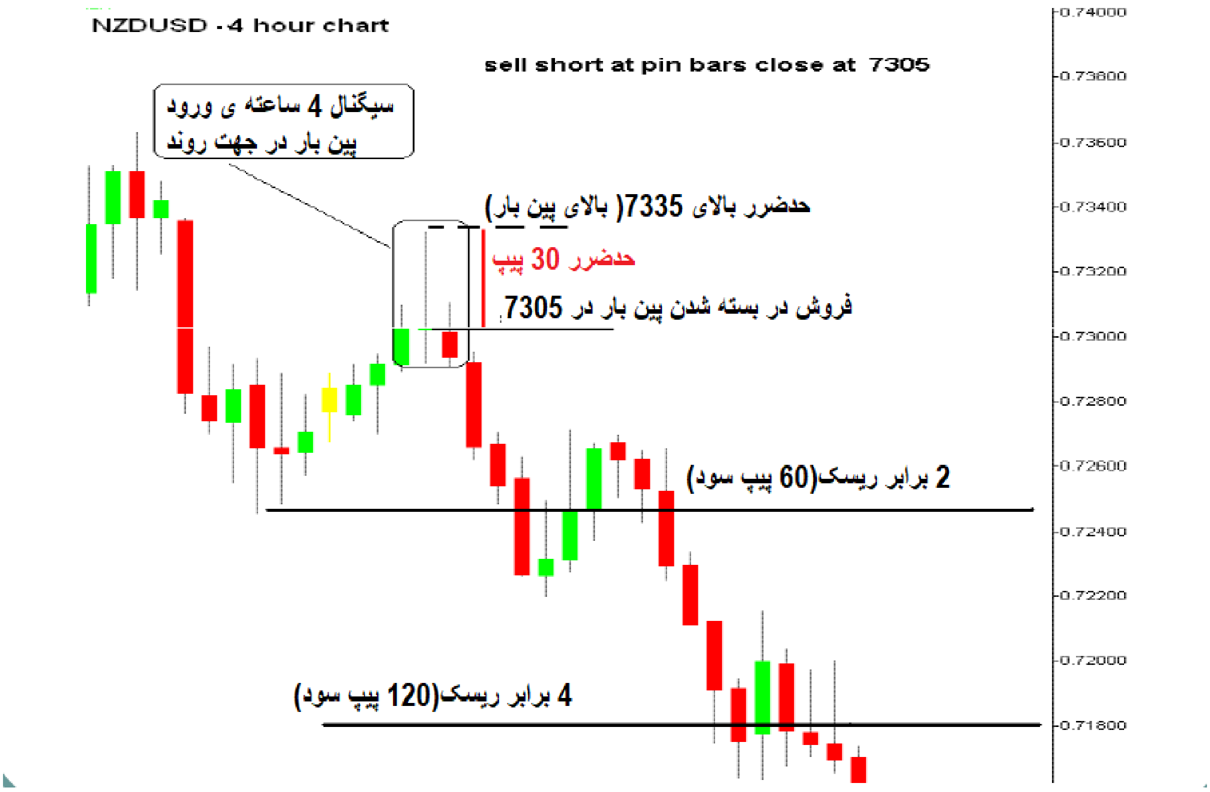
یک سیستم قدرتمند، جز تشکیل دهنده ی واحد در یک برنامه ی معاملاتی نیست، به طور طبیعی بسیاری از عوامل کلیدی دیگری نیز وجود دارند که به هنگام قرار گیری یک معامله با یکدیگر همکاری دارند. مانند اندازه پوزیشن...

تمام معامله گرانی که در بازار فارکس شکست می خورند، همانند یک قمارباز در کازینو هستند. این معاملات «برنده» مداوم با پول واقعی است، آن ها احساسات، پستی و بلندی های خود را دارند، و کاملا شبیه به یک بازیکن بلک جک هستند. آن ها فاقد دانش هستند و قطعا هیچ روش معاملاتی ندارند. هیچ برنامه ای، و هیچ مدیریت مالی یا مدل حمایتی وجود ندارد، و این «جویندگان هیجان» قطعا اشتیاق لازم برای موفقیت ندارند ... اگر می خواهید برنده شوید، شما باید بر خلاف این جمعیت بزرگ بازندگان رفتار کنید.

یک سیستم قدرتمند، یک رویداد اثبات شده ی بازار است، رویداد تکراری قیمت در بازار است که بعنوان یک «سیگنال» برای معامله گر عمل می کند، تا با توجه به آن، یک سفارش در بازار ایجاد کند.

آن معامله گرانی که معتقدند، معامله یک فرآیند مکانیکی است، خود را فریب می دهند. حال باید خودتان را به حقایق موجود متصل کنید. شما این دوره را سپری می کنید تا «دریابید که معامله‌گری واقعا چیست».

شما باید یاد بگیرید که چارت را مطالعه کنید، رفتار قیمت را مطالعه کنید، و بالاتر از همه، شما باید یاد بگیرید که بدون احساس، روی سیگنال های رفتار قیمت، اقدام کنید.



شکل ۱: مثالی از نسبت ریسک به پاداش

استراتژی برنده ۱۲% سود در هر معامله	ریسک در برابر بازگشت	ریسک در هر معامله	بردها	باخت ها	سود کلی
%۵۰	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۶	۶	۵۰۰۰ دلار
%۳۳	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۴	۸	۰ دلار
%۲۵	۴ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۳	۹	۳۰۰۰ دلار

جدول ۱: فهم ریسک به پاداش

۷ نکته ی اصلی ورود به معامله توسط نایل فولر

۱. به شرکت کنندگان دیگر در بازار فکر کنید و بدون احساس، روی سیگنال‌های خود اقدام نمایید.

۲. از یک چارت قیمت ساده و عریان (بدون شاخص های جادویی) استفاده می کند.

۳. از چارچوب های زمانی ۱ ساعته یا بالاتر استفاده کنید.

٤. از الگوهایی که به راحتی شناسایی می شوند، استفاده کنید.

۵. به دنبال الگوهایی باشید که اغلب در چارچوب زمانی مورد معامله ی ما، خود را تکرار می کنند.

٦. از رفتار قیمت به عنوان تایید استفاده کنید، قبل از آن وارد نشوید!

۷. در هنگام شروع یادگیری، در مسیری معامله کنید که کمترین مقاومت (فشار روند چارت روزانه ی کوتاه مدت) وجود داشته باشد.

به گل نشسته در جزیره ای بی آب و علف



تصور کنید که در جزیره ای بی آب و علف قرار دارید، و قبل از ترک خانه، می توانید تنها ۳ روش معاملاتی با خود ببرید، کدام روش ها را انتخاب می کنید؟

این روند فکری برای انتخاب روش های معاملاتی روزانه ی هر معامله‌گری است.

موفقیت بلند مدت با انتخاب یک دست پر از روش های ورود خوب و تسلط بر آن ها آغاز می شود! مدام انتخاب خود را تغییر ندهید.

عادات ذهنی برندگان

خصلت شماره ۱ تمام معامله گران، صبر است. صبور باشید و منتظر تنظیمات معاملاتی مورد نظر خود بمانید، تنها برای بودن در یک معامله، وارد هر معامله ای نشوید. معامله گران بزرگ اغلب از «بی طرف بودن» یا در پوزیشن نبودن، به عنوان سودمندترین تنظیمات معاملاتی یاد می کنند.

هنگامی که یک تنظیمات معاملاتی کامل شناسایی شد، یک معامله گر برنده با نظم و انضباط اقدام خواهد کرد. او تحت تاثیر اخبار اقتصادی، رسانه یا هر عامل دیگر قرار نمی گیرد. او شرایط فعلی بازار را مدیریت ، و از چارت و رفتار قیمت پیروی می کند.

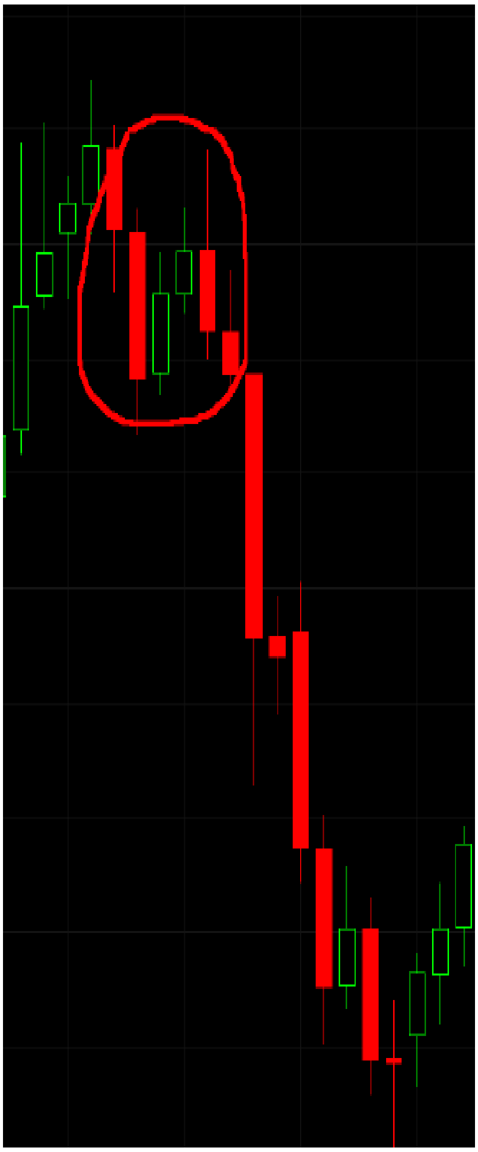
تنظیماتی که میبینید را معامله کنید، چیزی که بازار به شما میگوید را باور کنید، به ندای درونی خود اعتماد کنید.

هیچ وقت وحشت نکنید و در مواجهه با فرصت های معاملاتی مضطرب نشوید. به یاد داشته باشید که فردا، دوباره بازار باز خواهد شد و هرگز به دام تمام حرکات بازار نیافتید. از «سوپرمن» بودن پرهیز کنید، شما انسان هستید! نه انسانها و نه بازار، هیچکدام بی نقص نیستند.

اگر تنها احساس خوبی نسبت به تنظیم معاملاتی ندارید، و سیگنال رفتار قیمت فعلی مخالف آشکارترین روند میان دوره است، از آن دور بمانید. سعی کنید پیرو یک روند باشید، نه یک قهرمان

که تمام سقف و کف ها را معامله می‌کند. البته، موارد استثنائی نیز وجود خواهد داشت، اما وقتی معامله - گری را شروع می کنید، سعی کنید پیرو روند باشید.

اگر یک تنظیم معاملاتی را از دست دادید، قیمت ها را دنبال نکنید، اغلب روندها همواره تا حدودی باز می-گردند و فرصت دیگری برای ورود فراهم می کنند. برخلاف اعتماد به نفس شما، من از ورودی های دیر هنگام اجتناب می کنم و منتظر یک سیگنال قیمت دوم می مانم.



رفتار قیمت ردپای پول

رفتار قیمت به تنهایی مهم ترین چیز است که معامله گران می بایست در معاملات روزانه ی خود به آن اهمیت دهند. رفتار قیمت، کلید فراگیر برای تمام جنبه های معامله گری سودآور است.

رفتار قیمت هر چیزی که در بازار اتفاق می افتد را در هر لحظه در نظر می گیرد.

رفتار قیمت، وضوح بسیار بالایی به شما خواهد داد، که جایگاه قیمت، سطوح کلیدی، الگوها و سیگنال های کندل - های قیمت را به شما نشان می دهد.

یک چارت کندل استیک واضح و خام، مانند آنچه که در سمت راست نشان داده شده است، باید مورد استفاده ترین ابزار در هر دستگاه معامله گری باشد.

استفاده از اندیکاتورهای جادویی را کنار بگذارید، چرا که با این کار تنها خود را فریب می دهید.



شکل ۲: در پایان این درس، شما باید بتوانید همه چیز را در این چارت شناسایی کنید و سپس یک استراتژی معاملاتی کامل خواهید داشت

حقیقت معامله گری

پس از این که یک تنظیمات معاملاتی رفتار قیمت ایجاد می شود، هیچ قانون سختگیرانه ای برای ورود به معامله وجود ندارد. نکته ی کلیدی این است که سیگنال ها را بشناسید و سپس همراه با بازار، فرایند یادگیری را طی کنید.

اصول – روندها و بازگشت به میانه

- کشف روندهای اصلی
- درک بازگشت به میانه
- قوانین بازار جهانی

چارچوب های زمانی و روندها

چارچوبهای زمانی:

چارچوب های زمانی ایده آل و محدوده ی فواصل بین ۱ ساعته، ۱ روز تا ۱ هفته است.

چارچوب های زمانی بزرگ تر، تمایل به ارائه سیگنال های قیمت قابل اعتمادتری دارند. به این معنی است که تشکیل یک روند در چارت هفتگی یا روزانه اهمیت بیشتری نسبت به یک چارت ۱ یا ۴ ساعته دارد. یک الگوی معاملاتی در چارت ۱ ساعت بیش از یک چارت ۵ دقیقه ای و غیره دارای قابلیت اطمینان بیشتری خواهد بود.

معامله-گری در یک چارت ۱ ساعته، قابل اعتمادتر از چارت ۳۰ دقیقه ای است، و یک چارت روزانه قابل اعتمادتر از یک چارت ۴ ساعته، از نظر درک روند و نیز شناسایی الگوهای معاملاتی تکراری است. دوباره، هر چه چارچوب زمانی بالاتر باشد، اهمیت هر سیگنال یا الگو بیشتر است.

روندها:

جهت بازار، گرایش بازار یا روند نامیده می شود.

میانگین متحرک ۱۰۰ در چارت روزانه موضع بیشتری نسبت به یک میانگین متحرک ۲۱، بر این روند دارد.

واضح ترین روند در چارت روزانه دیده می شود، اگر به یک جهت برود، از چپ به راست، چه بالا و چه پایین، شما شاهد یک روند هستید. روندها می توانند کوچک یا بزرگ باشند، به افق زمانی و چارچوب زمانی شما بستگی دارد.

فشار مقابله با روند کوتاه مدت (جنبش ها در برابر روند وسیع تر) معمولا بی نتیجه هستند و منجر به شکست های پی در پی می شوند. بیش از ۷۰ درصد از حرکات خلاف روند با شکست مواجه هستند، بنابراین مهم است که تلاش کنیم تا جایی که ممکن است، همراه با روند بمانیم.

روندهای غالب بازار، مانند مقایسه یک کشتی مسافرتی با یک قایق سرعتی هستند، روندهای غالب کند و سخت گیر هستند و زمان زیادی را برای دستیابی به مومنتوم صرف می کنند. آن ها مهم ترین تاثیر بر رفتار قیمت در تمامی چارچوب های زمانی مورد استفاده هستند.

روندهای کوتاه مدت که در ارتباط با روندهای بلند مدت هستند، منجر به تداوم و افزایش پتانسیل سود و همچنین افزایش سناریوهای تناسب پاداش به ریسک می شوند.

قوانین بازار

در تاریخچه ی اخیر، بازارها به یک استخر بسیار بزرگ از شرط های کمّی بر روی جنبش های قیمت تبدیل شده اند. بدان معناست که صندوق های مالی بزرگ با یک جانبداری بسیار آگاهانه براساس مدل های کمّی پیچیده، سرمایه گذاری و مدل‌های معاملاتی و همچنین تحلیل بنیادین، موضع گیری می کنند. این جزر و مد باعث ایجاد حرکت بازار، گردش بازار و رفتار قیمت می شود.

هیچ عامل تشخیصی که حرکت بازار را هدایت کند وجود ندارد، بلکه یک گروه از کاتالیست ها هستند که نقاط عطف، نوسانات و روندها را ایجاد می کنند.

قیمت در اطراف نقطه ی مرکزی، که «میانه» یا میانگین متحرک نامیده می شود، حرکت می کند. روند و رفتار نوسانی قیمت، همیشه یا به سمت میانه یا برای دور شدن از میانه حرکت می کند. همه به عنوان معامله گر، هنگامی که یک روند مشخص شناسایی می شود، در راستای شیب میانه حرکت می کنیم. معامله‌گران پیشرفته نیز در اضافات (مناطق دور از میانه)، در تلاش برای به دست آوردن سود حاصل از بازگشت قیمت به سمت میانه، معامله خواهند کرد. با این حال، زمانی که یک سیگنال قیمت ثبت می شود، آن ها اغلب این روش را بکار می گیرند. معامله در اضافات، زمانی سودآور است که فشاری بر روی روند اصلی وجود ندارد، مثال: تغییرات دوره های رنج به خنثی در بازار.

معامله با یک روند، و معامله از اضافات، ۲ استراتژی متفاوت هستند و بعدا در این دوره به تفصیل مورد بحث قرار خواهند گرفت. قابل اعتمادترین وقایع در بازارها، خطوط میانه (قیمت متوسط)، حمایت و مقاومت استاتیک (سطح افقی ساده)، پشتیبانی متحرک پویا (میانگین متحرک روند دار، نقاط نوسان / نقاط پیوت) و البته، سیگنال های رفتار قیمت می باشند.

معاملات بر خلاف روند، شانس موفقیت کمتری دارند، مگر اینکه سیگنال رفتار قیمت از یک سطح اصلی باشد، ما از مبارزه با حرکت قیمت اجتناب می کنیم.

هر الگوی معاملاتی یا رویدادی در بازار، همواره بر روی متغیرهای بالا تاثیر می گذارد. آیا قیمت، حمایت را حفظ می کنند؟ آیا این یک شکست کاذب ایجاد میکند؟ آیا قیمت می شکند؟ این سیگنال رفتار قیمت، صعودی یا نزولی است؟ آیا معامله در خط همسو با این روند است یا در حال حرکت به میانه، و یا مخالف روند و غیره است؟ اینها سوالاتی هستند که ما باید یاد بگیریم که چگونه برای آنها پاسخ مناسبی فراهم کنیم، و همچنین بر اساس آنها معامله کنیم.

معرفی بازگشت میانه

بازگشت به میانه قلب تمام جنبش های بازار است. قیمت ها یا در حال دور شدن از میانه هستند و یا به سمت میانه حرکت می کنند. ما دو نوع نوسان کم و زیاد روند داریم. در نوسان زیاد روند، مشاهده می شود که بازار به طور قابل توجه همواره در یک جهت قبل از وقوع اصلاح، حرکت می کند. در نوسان کم، نوسانات کوچکی را حول و حوش میانه خواهید دید. (محدوده معاملاتی یا شیب کم).

این یک حقیقت معروف است که تمام روندها، حتی اگر روزها، هفته ها یا سال ها به طول انجامند، زمانی در آینده اصلاح خواهند شد، میانه (میانگین متحرک) مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر این منطق را به چارچوب های زمانی کوتاه مدت اعمال کنیم، می توانیم پول خوبی بدست آوریم.

به طور خلاصه، قیمت ها همواره به یک نقطه ی مرکزی از قیمت اضافی بیرونی ب رمی گردند و قیمت ها همواره از نقطه ی مرکزی به سمت قیمت اضافی دور می شوند. این مفهوم اصلی تمام مدل های کمّی در امور مالی است. (تصویر ۴ را ببینید)

برخی از نکاتی که باید بدانید:

میانه به عنوان یک خط روند پویا (نقاط ارزشی) عمل می کند.

اگر قیمت در حال حرکت به سمت و یا دور شدن از میانه باشد، می توان انتظار حرکت تا حد متوسط محدوده واقعی برای آن دوره را داشت. به این معنی است که ما انتظار داریم، بازار یک فاصله آماری خاص را قبل از تاخیر یا ادامه ی روند، حرکت کند.

روند گسترده تر قیمت در خط، همجهت با جهت میانگین متحرک بلند مدت حرکت می کند. به همین دلیل است که خلاف روند با شکست مواجه می شود و باید نادیده گرفته شود. ما باید سعی کنیم از واکنش های خلاف روند فاصله بگیریم. ساده تر بگوییم، ما نقاط قوت در بازارهای در حال سقوط را می فروشیم و ضعف در بازارهای صعودی را می خریم.



شکل ۳: تصویر برگشت به میانه

بازارها برای حرکت به پایین باید به بالا و برای حرکت به بالا باید به پایین حرکت کنند.

نوسان قیمت، محدوده ی معاملاتی و روندها، همگی یک قانون ساده را به همراه خود دارند.

- مثال : قیمت ها باید بالا بروند تا پایین بیایند، و پایین بروند تا بالا بیایند.

با دانستن این موضوع، اکنون می توانیم درک کنیم که چرا قیمت ها جهت حرکت خود را تغییر می دهند. همچنین به همین دلیل بسیاری از آن ها به عنوان فرصتی برای انجام معامله در جهت مخالف روند مورد استفاده قرار می گیرند.

چند بار می بینید که یک الگوی شکست، ناکارآمد می شود؟ چند بار می بینید، که یک جفت ارز فارکس، سقف یا کف جدید تشکیل می دهند و سپس در جهت مخالف حرکت می کنند؟

این بازار فارکس است... بازی معاملاتی برای فریب شما طراحی شده است، تا شما را گمراه کند، و اعصاب شما را آزمایش کند. اگر معامله گری آسان بود، همه ی ما ثروتمند می شدیم، به همین دلیل است

که استراتژی های ساده کتب درسی کارآمد نیستند، و معامله گران ساده لوح که نمی توانند با ایده های جدید سازگار شوند، بارها و بارها شکست می خورند.



شکل ٤

بازارهای فارکس تمایل به مخالفت دارند، در نتیجه به همین دلیل شکست های، کاذب موقعیت های بیشماری ایجاد می کنند. همانطور که گفتم، بازارها برای حرکت کردن، باید این کار را انجام دهند.



شکل ۵



شکل ٦: تفکر در خارج از چارچوب...

تنظیمات معاملاتی در چارت





در معامله‌گری نباید بر روی بیش از ۴ چارت، ۱ساعته، ۴ ساعته، روزانه و هفتگی تمرکز کنیم.

برای تحلیل روند. ما در چارت ۱ ساعته و چارت روزانه کار می کنیم.

تنظیمات چارت روند ۱ ساعته یک چارت کندلی وانیلی ساده است، که روی این چارت معین شده است، و یک میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ است.

تنظیمات چارت روزانه یک چارت کندلی وانیلی ساده است، که در این چارت، میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ قرار داده می شود.

چارت هفتگی برای تحلیل روند کوتاه مدت ما استفاده نمی شود، اما بدیهی است که در حالت ایده آل، از آن برای ترسیم سطوح کلیدی و پیدا کردن رفتار قیمت مانند پین بار و کندل درونی استفاده می کنم. ما یک میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ هفتگی به این نمودار اعمال می کنیم.

نمودار ۲۴۰ دقیقه ای برای آنالیز رفتار قیمت و تنظیمات ورودی استفاده می شود، این یک چارت «راهنما» است و تنها داده های قیمت خام بدون هیچ اندیکاتور یا میانگین متحرک بر روی آن اعمال می شود. هم چنین از آن برای تشخیص سطوح کلیدی و رفتار قیمت استفاده می شود.



شکل ۷: تنظیمات معاملاتی در چارت

میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵

مطالبی وجود دارند که ما باید در مورد نحوه ی استفاده از این میانگین متحرک های نمایی بلند مدت، بدانیم.

سطوح ۱۵۰ و ۳۶۵ میانگین متحرک نمایی به عنوان ارزش پویا رفتار می کنند، بازارها اغلب به سطوح، در تمام دوره های بازار، احترام می گذارند، چه در طول ثبات یا روند، شما اغلب سطوح مورد احترام را خواهید دید.

سیگنال های رفتار قیمت اغلب درون سطوح و یا در اطراف سطوح مختلف رخ می دهند.

آن‌ها به شناسایی روندها کمک می کنند، هنگامی که قیمت زمان بیشتری را در یک طرف میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ سپری می کند، ما می دانیم که بازار دارای یک روند است.

شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰، سیگنال حرکت و رفتار روند را نشان می دهد. هر چه شیب آن بیشتر باشد، بیشتر متقاعد می شویم که قیمت ها را دربر دارند.

ما تنها از میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ عبور نمی کنیم، بلکه از سطوح و شیب میانگین نیز استفاده می کنیم. اغلب معاملات پیش از عبور کامل از خط، انجام می شوند، اینها تنها تاییدیه های اضافی برای ما هستند، و سپس می توانیم با استفاده از اصلاحات بعدی به سوی میانگین متحرک، به راحتی پوزیشن هایی را در سطوح پایین ریسک وارد کنیم.

هر روش روند به عنوان یک راهنما عمل می کند و باید به طور ایده آل با دیگر روش های آنالیز، از قبیل رفتار قیمت و نقاط نوسان افقی ترکیب شود. (در مطالب بعدی، بیشتر درباره ی آنها توضیح داده خواهد شد).

به زودی پس از مدتی تمرین، خواهید دید که چگونه این میانگین متحرک قیمت ها را تحت‌تاثیر قرار می دهد.



شکل ۸: میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳٦۵ در چارچوب یکساعته

میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱

هنگامی که میانگین متحرک نمایی ۸ روز از بالا یا پایین ۲۱ روز بگذرد، ما می توانیم فرض کنیم که یک روند کوتاه مدت قدرتمند در حال حاضر وجود دارد. معمولا به این معنی است که این خلاف روند کوتاه مدت، در حالی که خطوط از یکدیگر عبور کرده اند، مغلوب خواهند ماند. آن ها کامل نیستند، اما مسیری که از یکدیگر عبور می کنند، در ابتدا می توانند یک راهنمای بسیار دقیق باشند تا یک عبور در جهت مخالف اتفاق افتد.

به طور شگفت انگیزی، قیمت می تواند بعد از میانگین متحرک ۸ و ۲۱، برای چندین روز، بسته شود، اما میانگین متحرک عبور نخواهد کرد. این روند اغلب ادامه پیدا می کند. من آن ها را به عنوان یک راهنمای سریع دوست دارم، زیرا دقیق هستند و فورا واکنش پذیر نیستند، مدت زمانی را برای ارائه ی یک سیگنال صرف می کنند، و میتوان گفت که یک فیلتر روند ایده آل هستند.

بعد از عبور دو خط از یکدیگر، زمانی که بازار اصلاح کرد و حتی ممکن است به خوبی بالای ۲ خط حرکت کند، اغلب یک جهش سریع در قیمت ها رخ می دهد. این بدان معناست که به عنوان یک راهنما، بازارها از این سطوح برای یافتن ارزش استفاده می کنند و از آن ها دور می شوند. (چارت سمت راست را ببینید)

طبیعتا، زمانی که تحرکی قدرتمند وجود داشته باشد، آن ها به بهترین شکل کار می کنند.

ما از آن ها به عنوان ابزار کاهنده استفاده می کنیم تا حوزه ی فرصت ها را شناسایی کنیم. ما اغلب از آن ها در ترکیب با رفتار قیمت استفاده می کنیم.

آن ها یک استراتژی معاملاتی خالص نیستند، بلکه ابزاری برای ترکیب با رفتار قیمت هستند. من بر اساس عبورهای (کراس ها) میانگین متحرک معامله نمی کنم، به خودی خود، این کار بی فایده است.



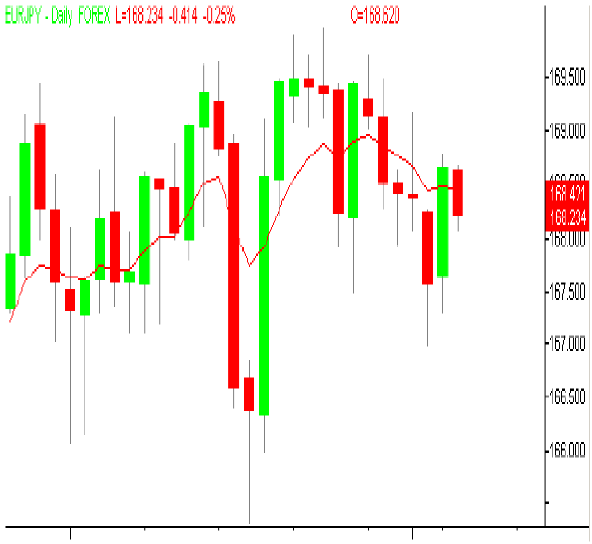
شکل ۹: میانگین نمایی ۸ و ۲۱ روز

روندهای ناقص و نوسان



روند ۱ ساعته اغلب می تواند فرّار باشد، و همیشه کامل نباشد، برخی از جفت ارزها در یک مسیر به مدت چند روز روند دار خواهند شد، اما قیمت ها تمایل دارند که قبل از اصلاح، از میانه فاصله بگیرند، مثال سمت راست را ببینید...

این جنبه ی مهم، شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است، همانطور که شروع به افزایش حرکت و احترام بیشتر به آن می کند، همانطور که در این چارت می توان مشاهده کرد، در این مثال، قیمت بیش از ۳۰ پیپ از میانه فاصله گرفت، اما بعد به سرعت معکوس شد.



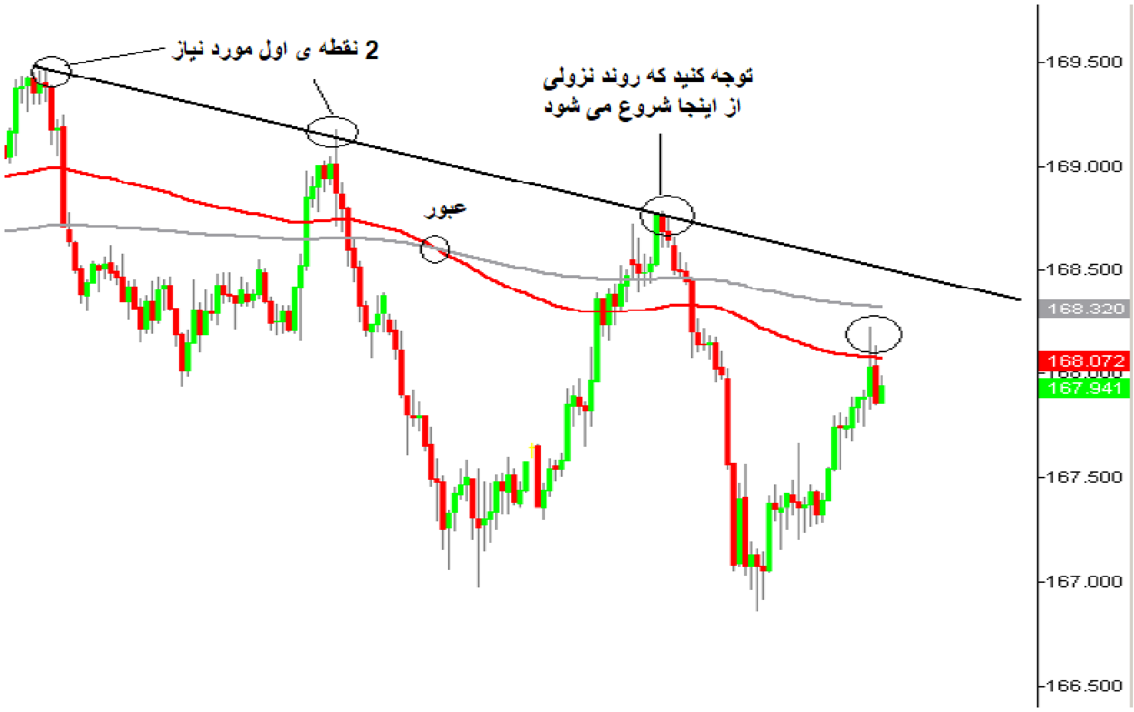
در یک چارت روزانه، اغلب، زمانی که بازار درون یا بعد از میانه بسته می شود، معکوس خواهد شد. این رابطه ی بسته شدن، به بسیاری از معامله گران اجازه می دهد تا در محل بسته شدن کندل روزانه، وارد معامله شوند. به همین دلیل است که اغلب، بازار رونددار است ، اما هنوز هم در این فرآیند نوسان می کند.

شکل پایین یک چارت روزانه از همان دوره به صورت چارت ۱ ساعته (راستبالا) است. توجه داشته باشید، زمانی که قیمت در بالای میانگین متحرک نمایی ۸ روز بسته می شود، بازار به فروش می رسد. این واقعه، نوسان نامیده می شود. قیمت ها بر می گردند تا میانه را آزمایش کنند و سپس دوباره به طور بالقوه از محل میانه فاصله می گیرند. همه چیز حول نقطه ی مرکزی جریان دارد. و به عبارت دیگر: ما یا در حال حرکت برای دور شدن از ارزش و یا بازگشت به سمت آن هستیم.

هنگامی که روند متغیر و نوسانی وجود داشته باشد، شیب میانگین متحرک نسبت به سطح میانگین متحرک، با اهمیت تر است.

چگونه یک خط روند را رسم کنید

برای ۲ نقطه اول صبر کنید، و یک خط از میان آن ها رسم کنید، بسیار ابتدایی است!



شکل ۱۰: چگونه یک خط روند را رسم کنید؟



شکل ۱۱: مراقب خطوط روند باشید

روندهای کامل سرنخ هایی فراهم می کنند



هنگامی که بازار به خوبی رونددار است، رفتار قیمت اغلب سرنخ هایی فراهم می آورد، زیرا به سطح میانگین متحرک احترام می گذارد و در جهت مخالف آن را دفع می کند. زمانی که یک معامله گر شروع به تشخیص این نشانه ها در چارت های ۱ ساعته و حتی روزانه می کند، می تواند ورودی معامله را از یک نقطه با ریسک پایین باز کند.

معامله گران، یا کورکورانه در سطح میانگین متحرک وارد می شوند، یا منتظر تایید از طریق سیگنال رفتار قیمت مانند پین بار، درون کندل، شکست خط روند و غیره هستند.

شما در طول زمان متوجه خواهید شد که وقتی یک بازار رونددار است، همواره سرنخ هایی را ارایه می دهد و همیشه فرصت هایی برای «ورود»، در هنگام امتحان مجدد میانگین ها، فراهم می کند.

جامعه ی معامله گری از میانگین متحرک به درستی استفاده نمی کند، زیرا آن ها بر روی عبور، بیش از شیب و سطوح تمرکز دارند. روندها می‌توانند سرنخ هایی را ارایه دهند، پس مراقب آن ها باشید.



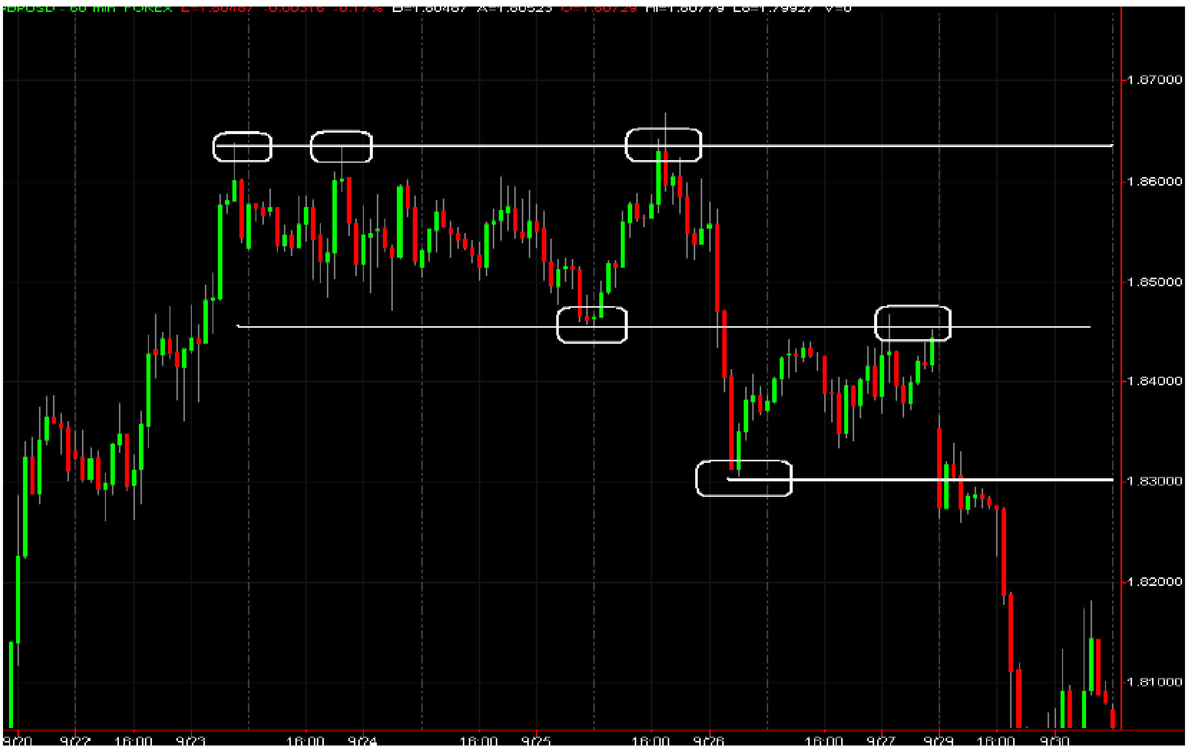
شکل ۱۲: روندهای کامل بیشتر در چارتهای ساعتی



شکل ۱۳: سیگنال حرکت قوی واگرایی میانگین های متحرک



شکل ١٤: حمایت و مقاومت روند (ماهیت اولیه)



شکل ١۵: حمایت و مقاومت درون روز

نقاط نوسان حمایت و روندها



بازار سقف ها و کف ها را می سازد و نقاط نوسان را شکل می دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه مدت هستند و نیازی به مورد تایید قرار گرفتن، ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و به نقطه x بازگردد، یک نقطه ی نوسان حمایت باقی خواهد گذاشت. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و نقطه x باز نگردد، نقطه x به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می شود.

توجه داشته باشید که حمایت در این چارت EURUSD لزومی به تایید شدن، ندارد، بلکه می تواند یک نقطه ی نوسان یا سطح مرجع باشد، زمانی که بازار در حال حرکت برای ساخت نوسان سقف و کف است، آن ها در طول زمان به سطوح کلیدی واضحی تبدیل می شوند. به سمت راست نگاه کنید.

این مثال نشان می دهد که روند از یک سیگنال پین بار بزرگ سقوط می کند، آنگاه به کندی کاهش می یابد، همراه با میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ روز سرانجام از سمت پایین عبور می کند، بازار در نهایت موفق به ایجاد نوسان حمایت نمیشود و خاتمه می یابد. همچنین ورودی های چند تایی رفتار قیمت وجود دارد که ما می توانستیم وارد آنها شویم، و بعدا در مورد آن ها بحث خواهیم کرد.



شکل ۱٦: نشانه گذاری بازار با نقاط نوسان

خلاصه ی روند

ما هرگز نمی دانیم که چه زمانی یک روند جدید آغاز و چه زمانی تمام می شود، ما منتظر آغاز و سپس معامله در درون آن هستیم.

اصلاح اول و دوم، همواره بعد از یک روند جدید مهم هستند.

در یک چارت ۱ ساعته، بهترین حوزه های ارزش کوتاه مدت، میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ یا ۳۶۵ هستند. هنگامی که شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ به وضوح در یک جهت و نه مسطح باشد، این روند فرصت خوبی برای محترم شمرده شدن دارد و این سطح، اغلب مقاومت خواهد بود.

میانگین متحرک واگرا، همانند حرکات قیمت، نشان دهنده ی تمایل و روند پر شتاب است. میانگین های حرکت کلیدی اغلب با سطوح اصلاحی و حمایت یا مقاومت افقی همخوانی دارند. هنگامی که با یکدیگر ترکیب می شود، قدرتمند خواهند شد، ما این را تلاقی مقاومت پویا می نامیم.

تنظیمات روند در معرض «از دست دادن پول» قرار دارند، به این معنا که تمام آن ها سودآور نیستند. برخی از تنظیمات به سادگی در زمانی که بازار مستقیما از طریق میانگین متحرک حرکت می کند، از بین می روند. شما هرگز نمی دانید چه زمانی و چه موقع این اتفاق می افتد، این اتفاق رخ خواهد داد!

اگر یک روند را دنبال کنیم، می توانیم با نگاه کردن به چارت ها و تایید مسیر با تاثیرات دیگر موارد، از گرفتار شدن در معاملات بد، اجتناب کنیم. دیدگاه های خود را با نقاط نوسان، شکست های خطوط روند، شکست حمایت و مقاومت، سیگنال های رفتار قیمت، و غیره پشتیبانی کنید.

بازار همواره سقف و کف می سازد و نقاط نوسان را تشکیل می دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه مدت هستند و نیازی به تایید ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و در نقطه x بازگردد، نقطه ی نوسان حمایت ایجاد می شود. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و به نقطه x باز نگردد، نقطه x به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می شود.

به طور کلی، روند دوست شما است. هنگامی که با رفتار قیمت ترکیب می شود و مشهود می شود، بزرگ ترین معامله گران در تمام زمان ها، از خلاف روند برای ورود به بازار در جهت نوسان روند وسیع تر، استفاده می کنند.

برای مثال ۵۵ درصد و ۶۱/۵ درصد اصلاح، اغلب برای معامله ی نوسان روند در کوتاه مدت، خوب هستند.

با این حال، ما توجه داریم که معامله ی اصلاحات، در مقام خود یک شکل هنری دیگر است، و چیزی نیست که من بخواهم در این دوره به طور مفصل به توضیح آن بپردازم.

استراتژی های معامله گری- جمع بندی



شکل ۱۷: الگوهای روند عالی که به میانه احترام می گذارند (احترام به میانگین متحرک)

مثال های فوق، روندهای کامل را نشان می دهند، ما می خواهیم روندها را شناسایی کنیم. روندهای کامل زمانی تشکیل می شوند که قیمت ها مداوماً به میانگین متحرک احترام می گذارند، یعنی معاملاتی عالی که پول را در جیب ما قرار می‌دهند.

شناخته شده ترین سرنخ، میانگین متحرک واگرا، یک شیب مشخص خوب، و رفتار قیمت ضعیف است که با تنها برای چند کندل کوچک در بالای میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ بسته می شود.

تایید نیز قوّتی برای این واقعیت است که ما همچنان به پایین رفتن و ساخت سقف و کف های پایین تر ادامه می دهیم. (عکس آن برای یک روند صعودی صادق خواهد بود).

رفتار قیمت در روندها



این مسئله مهم است:

هنگامی که ما یک سیگنال رفتار قیمت را با یک حوزه ی ارزش (میانگین متحرک) ترکیب می کنیم، احتمال موفقیت ما افزایش می یابد.

رفتار قیمت همیشه در سطح دقیق رخ نمی دهد، قیمت ها ممکن است در حال حرکت در طول میانگین یا شکل گیری زیر آن باشند. آنچه که اهمیت بیشتری دارد، روند اخیر و شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است. طبیعتا، زمانی که شاهد یک سیگنال رفتار قیمت عظیم در جهت روند هستیم، احتمال موفقیت افزایش پیدا می کنند.

مثال. اگر قیمت یک «پین بار برگشتی» از یک حوزه - ی ارزش، یا در طول یک حرکت روندار تشکیل دهد، این یک سرنخ اتوماتیک برای مسیر آتی روند است. (دوباره این را بخوانید)

بیش ترین احتمال برای تمامی معاملات در چارت های ۱ ساعته و ۲۴۰ دقیقه ای زمانی است که معامله گران از سیگنال رفتار قیمت برای ورود به مسیر حرکت روند فعلی استفاده می کنند.

چه معامله ی رفتار قیمت یا تنها پیوستن به یک روند باشد، من دوست دارم در معامله گری، تا حد امکان نزدیک به میانگین متحرک، یا حتی بالاتر از آن باشم. پس می دانم که ورود من درون یا بالاتر از «ارزش» فعلی بوده است، و من در جهت حرکت فعلی بازی می کنم.

چرا ما حرکات خلاف روند را برای ورود به پوزیشن ها انتخاب می‌کنیم؟

جنبش های خلاف روند فرصتی برای ورود معاملاتی به جهت فعلی بازار یا روند ایجاد می کنند.

ما می توانیم ببینیم که بهترین روش، در زمانی که رفتار قیمت مشهود است، شکل می گیرد.

در این نمونه از روند نزولی، سقف ها و کف های پایین تر وجود دارد.

در این مثال، توجه داشته باشید که سقف های بالاتر نوسان قبلی اهمیت یافته اند و حوزه ای را برای حدضرر یا حداقل تعریف خطر روندها قرار می دهند.



شکل ۱۸

قوانین حمایت و مقاومت

من به ندرت از حمایت و مقاومت برای ورود به یک معامله استفاده می کنم، مگر اینکه بخواهم برای تایید رفتار قیمت در سطح یا نزدیک سطح، از آن استفاده کنم. اگر یک روند قدرتمند وجود داشته باشد و من در یک اصلاح معامله ی فروش قرار داشته باشم، ممکن است از حمایت و مقاومت برای ورود کم ریسک، استفاده کنم.

به محض شکست، نقاط نوسان به عنوان مهار (حمایت یا مقاومت) در جهت روند عمل می کنند. این یعنی جایی که عرضه ی قدیمی وجود دارد، تقاضای جدید وجود خواهد داشت، و در آنجایی که تقاضای قدیمی

وجود دارد، عرضه ی جدید وجود خواهد داشت. این یک ویژگی متغییر بازار است و اساسا تمام روندها را هدایت می کند.

حمایت و مقاومت استاتیک در افق قیمتی بلند مدت، بیشتر مربوط به نوع معامله گری می شود. پس زمانی که مطالعه را انجام می دهید، به چارچوب های زمانی بالای ۲۴۰ دقیقه ای برای معامله گران درون روز، و چارت های روزانه و هفتگی برای معامله گران روزانه ایده آل است.

حمایتها و مقاومتها، به طور مرتب عوض می شوند، به این معنا که حمایت قدیمی تبدیل به مقاومت جدید و مقاومت قدیمی به حمایت جدید مبدل می شود. هرچه چارچوب زمانی کوچک تر باشد، دقت آن کمتر و تغییرات آن بیشتر خواهد بود.

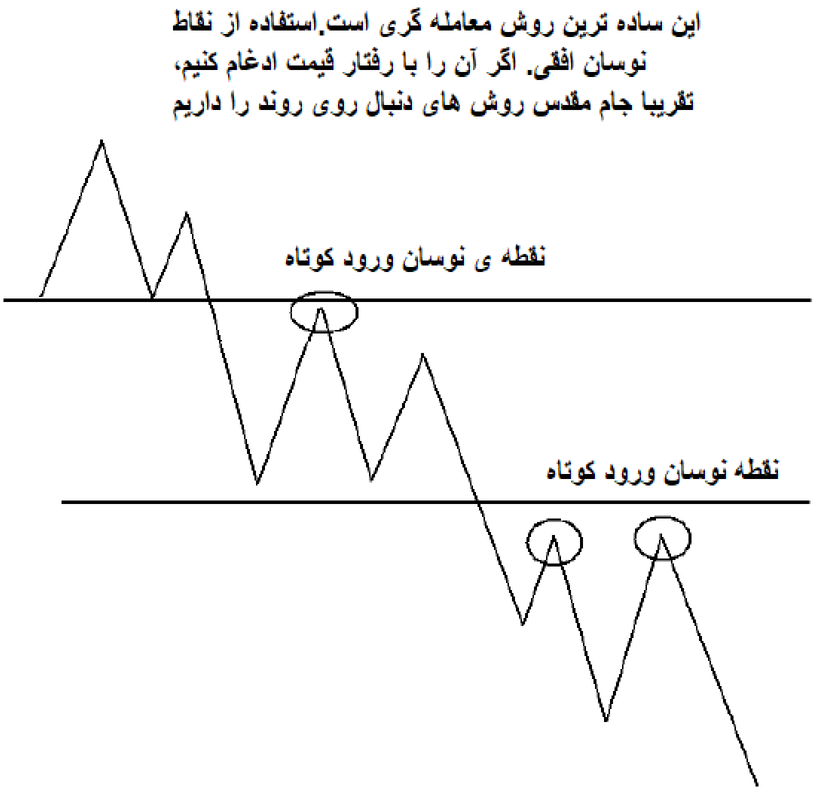
ما همیشه با حمایت و مقاومت معامله نمی کنیم، ممکن است از این سطوح برای ایجاد حد ضرر استفاده کنیم. برای مثال اگر ما یک روند بلند مدت را (خریداری شده) در یک میانگین متحرک معامله کنیم، ممکن است حد ضرر را زیر حمایت قرار دهیم. (عکس آن نیز صادق است).

حمایت و مقاومت در بازارهای رونددار، بهتر کار می کنند، و می توانند در هر دوی بلند و کوتاه مدت فعالیت کنند...

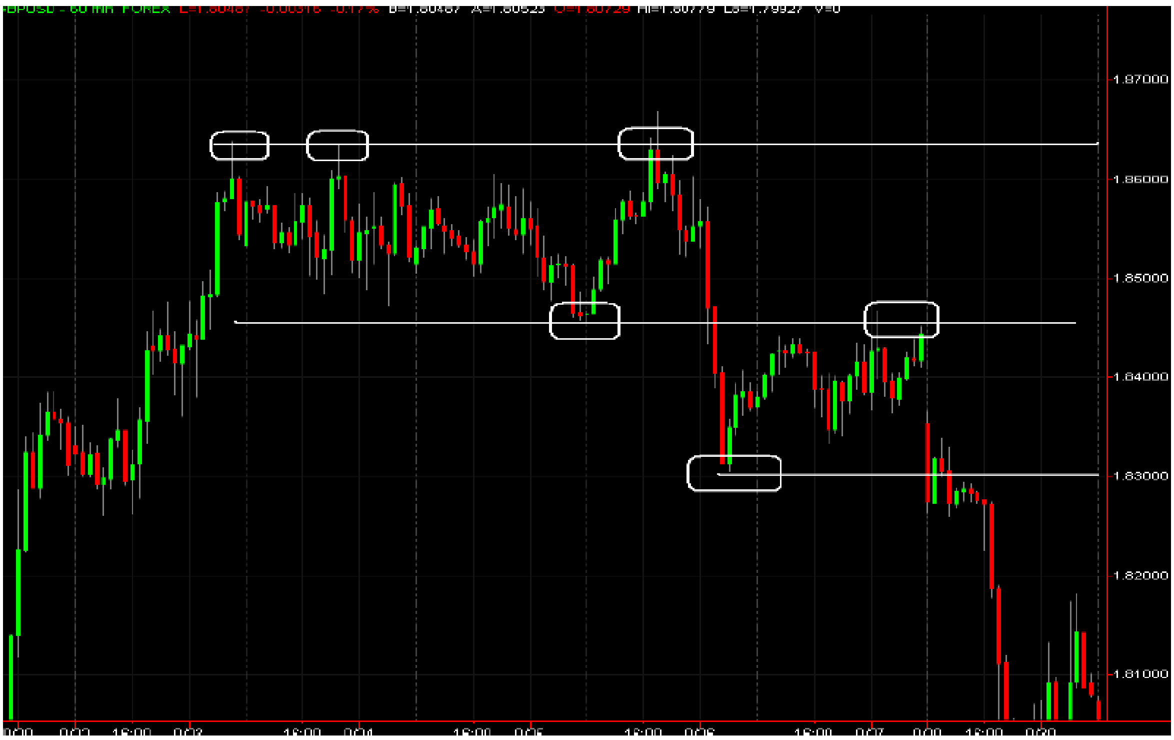
اغلب «شکست کاذب» حمایت و مقاومت وجود دارد که می توانیم از آن برای معامله گری استفاده کنیم. (بیشتر در این مورد بعدا توضیح داده خواهد شد)

رفتار قیمت معمولا ما را به اغلب معاملات می رساند، بنابراین بیش از حد، نگران تبدیل شدن به متخصص در شناسایی نقاط نوسان و حمایت و مقاومت نباشید. شما تنها باید از سطوح و الگوهایی که در نزدیکی آن ها شکل می گیرند، آگاه باشید. یاد بگیرید که آن ها را همیشه در چارت خود رسم کنید.

با یک نگاه ساده در چارت، به آسانی متوجه می‌شوید که سطوح افقی در بازار همه چیز را هدایت می کنند



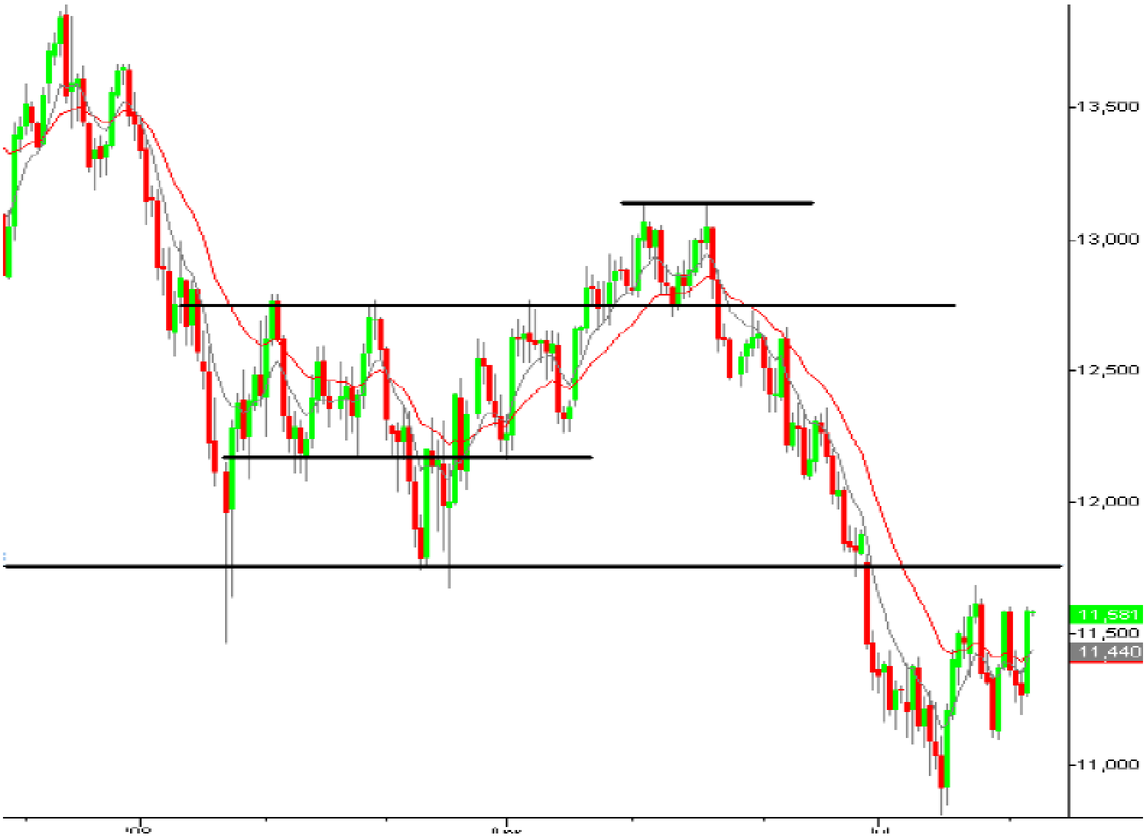
شکل ۱۹: خط افقی



شکل ۲۰: حمایت و مقاومت



شکل ۲۱: سطوح افقی و شکستهای کاذب



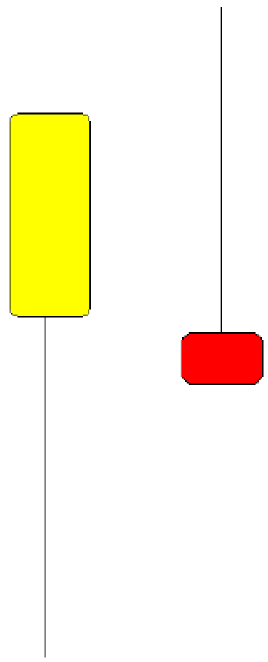
شکل ۲۲: سطوح کلیدی بلند مدت خود را رسم کنید – از انجام این کار نترسید



شکل ۲۳: شکست کاذب در نزدیکی حمایت و مقاومت متداول است، آنها به سمت معکوس شدن پیش می روند

الگوهای رفتار قیمت و جمع بندی همه چیز

پین بار بازگشتی چیست؟



ورود پین بار - پین بار یک تشکل تک میله ای است. پین بار یک میله‌ی قیمت است که قیمت های بالاتر یا پایین تر را طرد کرده است. قیمت در یک جهت باز خواهد شد و حرکت خواهد کرد و سپس در طول جلسه «معکوس» می‌شود تا در قیمت باز شدن یا مقداری بعد از قیمت باز شدن، بسته شود.

شناسایی کندل به این دلیل آسان است که یک «دم» یا سایه دارد. تمام کندل‌هایی که دم دارند، پین بار نیستند. فقط یک کندل که دم آن اغلب بسیار بزرگ‌تر از بدنه باشد، می تواند یک پین بار نامیده شود. معمولا، بازار در قیمت باز شدن، با مقداری بعد از قیمت باز شدن، بسته می شود.

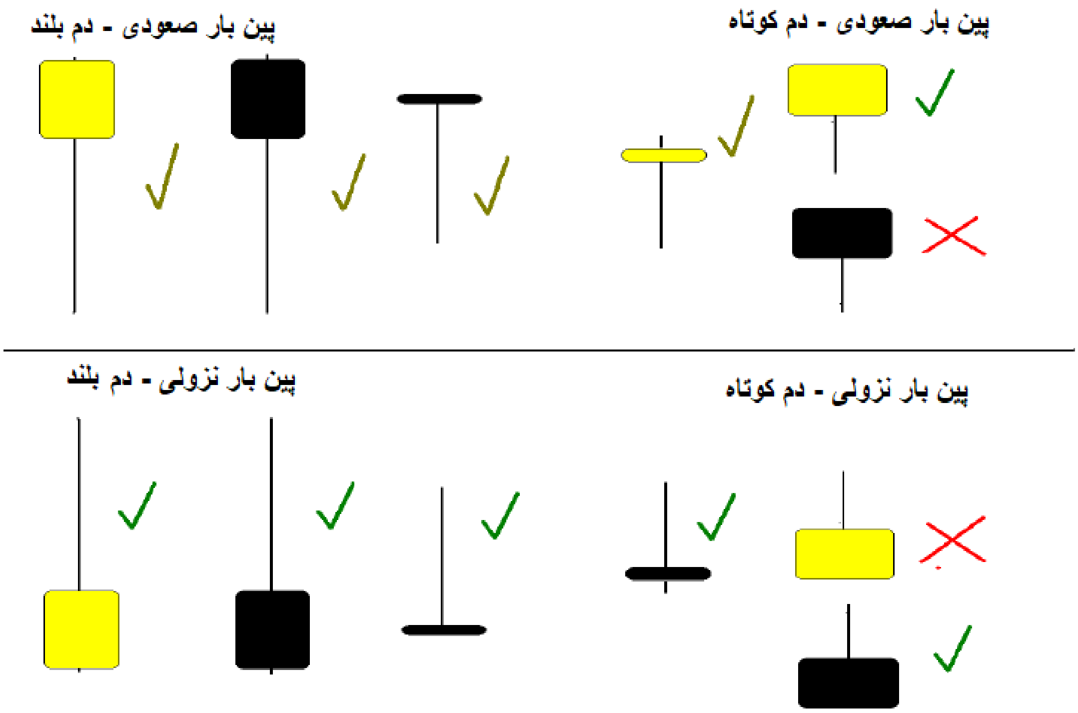
این یک سیگنال بازگشتی عادی است که معمولا در نزدیکی یک ناحیه ی مقاومت یا حمایت (سطح افقی یا میانگین متحرک پویا) تشکیل می شود. برخی از معامله‌گران از آن ها همراه با اصلاحات فیبوناچی و روندها یا پیوت/ نوسان ساده استفاده می کنند.

به طور خلاصه، پین بارها استراتژی نهایی برای سودمندی از نوسانات عمده ی قیمت ها هستند. بنابر تجربه ی من، بازار فارکس، بیشتر به این سیگنال ورودی واکنش نشان می دهد، به دلیل تعداد بالای معاملات در فارکس، این الگو، به صورت خودکار، پر می شود.

اغلب، بهترین پین بارها پس از چند روز حرکت در جهت مخالف حرکت اخیر رخ می دهند.

من در ابتدای شغل خود متوجه شدم که پین بارهایی که در جهت روند شکل می گیرند، اما بعد از اصلاح، دیگر وجود ندارند، می توانند خطرناک باشند. مطلب مورد نظر من این است که از پین بارهایی غیرواضح اجتناب کنید، و از آن هایی که درست در نزدیکی سقف ها و کف های حرکت فعلی تشکیل شده اند، اجتناب کنید.

نمونه‌های درست را ببینید.



شکل ۲۴: برگ مرجع پین بار



شکل ۲۵: مکانهای صحیح برای پین بارها

توضیح ورودی پین بار

سه روش برای ورود مستقیم معامله به پین بار وجود دارد:

همیشه لازم نیست، اما همیشه بهتر است ببینید که بینی کندل به نوعی از مقاومت (میانگین متحرک، نقاط پیوت یا فیبوناچی) برخورد کرده است یا نفوذ می کند.

بسیاری از اوقات، قیمت بسته شدن بینی تا چند دقیقه یا چند ثانیه قبل از بسته شدن پین بار به سطح باز شدن نخواهد رسید.

روش # ۱: پرخاشگرانه

گاهی اوقات، درست بعد از بسته شدن بینی پین بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فورا به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی اوقات نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می دهد!. این روش پرخاشگرانه، اطمینان حاصل می‌کند که این اتفاق نمی‌افتد، اما با کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه معامله بدون شما حرکت نخواهد کرد، ممکن است از یک مدخل در بازار استفاده کنید. در این روش معامله ی شما، زمانی که پین بار تصمیم می گیرد که مانند یک سنگ، بدون اصلاح، به پایین سقوط کند، پر می شود و با خوشحالی به شما سود می دهد. حدضرر خود را درست در بالای دم قرار دهید. برای یک معامله ی پرخاشگرانه تر، حدضرر خود را بالاتر یا کم‌تر از ۶۰٪ محدوده ی پین بار قرار دهید. من متوجه شده ام که یک پین بار ۱ ساعته ی بزرگ و حتی کوچک، مانند ۲۴۰ دقیقه ای، به سرعت حرکت می - کند و مستقیما از محل ورود، دور می شوند. من هرگز قادر نخواهم بود دقیقا به شما یاد دهم که در کجا وارد معامله شوید، اما اگر این روند قدرتمند باشد، ورودی های بازار می‌تواند انتخاب خوبی بر روی چارچوب های زمانی درون روزی باشد.

روش # ۲: پرخاشگر

گاهی اوقات، درست بعد از بسته شدن پین بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فورا به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی اوقات نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می‌دهد!. این روش پرخاشگرانه از حرکت بازار به عنوان تایید استفاده می کند، اما با مقدار کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه معامله، بدون شما محل را ترک نخواهد کرد، به طور خاص، بر حسب چارچوب های زمانی روزانه، از یک «توقف» برای ورود استفاده کنید. بنابراین اگر بخواهم بفروشم، در زیر سیگنال «پین بار» ، سفارش ورود توقف وارد می کنم، و یا بر عکس آن را برای خرید انجام می دهم. دوباره، احتمالا برای سیگنال های درون روز، و برای پین بارهای احتمالی روزانه که دامنه وسیعی ندارند، مناسب است.

روش # ۳: محافظه‌کار

بسیاری از اوقات، در چارت روزانه، به خصوص اگر پین بار در محدوده ی وسیعی باشد، می بینم که بازار کمی قبل از معکوس شدن و سقوط یا صعود، ممکن است ۱۲ ساعت یا حتی ۱ تا ۲ هفته باشد، اصلاح شود، اما اغلب، قبل ایجاد سیگنال در جهت مورد نظر ما، یک اصلاح وجود خواهد داشت...من درباره ی ورود اصلاحی برای پین بار روزانه یا پین بارهای بزرگ تر از ۲۴۰ دقیقه ای در بسیاری از ویدیوهای خود توضیح خواهم داد. روش محافظه کارانه تر برای ورود به تنظیمات پین بار اینگونه است که، اساسا صبر می کنیم تا بازار حدودی اصلاح یابد. دامنه ی پین بار سیگنال را اندازه گیری می کنیم و محدوده‌ی ۳۸ % تا ۵۵ % را پیدا می کنیم، و به دنبال ورودی در آن حوالی می گردیم. برخی از راه های دیگر برای ورود به یک اصلاح، جستجوی یک سطح منطقی نزدیک، شاید مقاومت و حمایت آن نزدیکی، می باشد. با استفاده از اصلاح برای ورود، حد ضرر کوچک تر و کاهش ریسک کلی شما را تسهیل خواهد کرد، اما افزایش نسبت ریسک به پاداش را به همراه دارد.. نقطه ضعف روش محافظه کارانه این است که شما گاهی اوقات، انجام معامله را از دست خواهید داد.

پین بار – نکات بسیار مهم

از پین بارهای روزانه در بازار و یا از دستور سفارش توقف، برای ورود استفاده کنید.

پین بارهای روزانه معمولا در صورتی که دامنه ی بزرگی داشته باشند، وارد اصلاح می شوند. اگر محدوده - ی پین بار کوچک باشد، وارد معامله شوید.

اغلب از سیگنال های پین بار روزانه و درون روز با هم استفاده کنید.

ورودی و حد ضرر

استراتژی های پین بار درون روز که پیش تر مورد بحث قرار گرفتند، یا در ورودی های بازار، یا در انتظار حرکتی در زیر و یا بالای بینی، بسته به جهت معامله‌گری شما خواهند بود. تا زمانی که پین بار محدوده ی وسیعی نداشته باشد، زمانی که یک روند قدرتمند در راه است، من صبر نمی کنم، سراسیمه به داخل می پرم ... (بعدا بیشتر توضیح خواهم داد)

در چارت های روزانه، ورودی به اندازه ی آخرین پین بار بستگی دارد، اگر یک پین بار با محدوده ی بزرگ است، ممکن است، همانطور که قبلا توضیح دادم، منتظر روز بعد، برای انجام اصلاح، باشید. من واقعا درباره ی اینکه کدام روش بهتر است، ۵۰ / ۵۰ هستم، اما برای معامله گران تازه کار، پیشنهاد می کنم

روش ۳۸ % -۵۵ % اصلاح را یاد بگیرند، و سعی کنند که روندها یا حمایت و مقاومت آشکار را معامله کنند. به مرور زمان، پیشرفت خواهند کرد. قوانین سختگیرانه ای برای پین بارها و رفتار قیمت وجود ندارد. کلید موفقیت این است که خود سیگنال های قیمت را تشخیص دهید، و تمام آن ها را به طریق متفاوتی معامله کنید، و نهایتا تصمیم بگیرید که کدام روش در طول زمان بهتر عمل کرده است.

ساخت یک سیستم معاملاتی ثابت و تنظیم شده برای پین بارها، غیرممکن است. اول از همه، بهترین ها را با تجربه به دست آورید و سپس از اشتباهات و همچنین بخت خود یاد بگیرید.

حدضرر در اینجا مهم است، اغلب اوقات، باید پایین تر از پایین یا بالای پین بار سیگنال باشد. اگر معامله گری درون روز هستید و شما یک سیگنال تایید دریافت کرده اید، ممکن است بتوانید حد ضرر خود را کمتر کنید. برخی، حد ضرر خود را بالاتر از بالا یا پایین پین بار قرار می دهند، برخی از سطح ۶۰ درصد پین بار استفاده می کنند و برخی از سطح ۷۵ درصد استفاده می کنند. همان طور که همواره می گویم، این موضوع به اندازه ی کندل، و به طور واقع بینانه به پتانسیل پاداش به ریسک شما بستگی دارد. اگر این یک پین بار بزرگ است، و حدضرر شما ۱۰۰ پیپ می شود، این یک حدضرر بزرگ است، بنابراین می توانید با استفاده از انواع روش های گفته شده، حدضرر خود را کوچک تر کنید. به یاد داشته باشید، استفاده از یک اصلاح، قبل از ورود به پین بار به طور طبیعی موجب کوچک شدن حدضرر می شود. تشکیل یک کندل درونی در هر جایی بعد از آرایش پین بار، کمک فراوانی به مدیریت ریسک خواهد کرد، چرا که شما می توانید سطح بالا و پایین پین بار را به عنوان حدضرر استفاده کنید. این کار پیشرفته تر است، اما چیزی است که شما در حال حاضر و سپس در چارچوب های زمانی بالاتر مانند ۲۴۰ دقیقه و روزانه خواهید دید.

همان طور که زمان سپری می‌شود، یاد خواهید گرفت که پین بارها شروع به حرکت می کنند و شما می توانید معاملات روزانه را براساس خود سیگنال روزانه مدیریت کنید.

حمایت و مقاومت واضح، خطوط روند و یا میانگین متحرک نمایی، همه سطوح خوبی برای خروج از معاملات پین بار هستند.

زمانی که وارد می شوید، به دنبال یک حد سود با حداقل ۲ برابر ریسک خود، و بیشتر، باشید. پین بارها می توانند به حرکات اصلی منجر شوند، بنابراین اگر سیگنال قدرتمندی باشد و رفتار قیمت با آن موافقت کند، از نگه داری بیشتر یک معامله نهراسید. در این هنگام، من به دنبال یک سطح کلیدی جدید می گردم تا سود خود را از بازار خارج کنم. من اخیرا در یک پین بار روزانه ۶ برابر ریسک، سود کرده ام، بنابراین دوستان، این کار را می توانید به انجام برسانید!

اگر معامله ی شما بر خلاف یک روند باشد، بهتر است مطمئن شوید که پین بار واضح و بزرگ است و سعی کنید تا آن را با تعدادی از سطوح منطقی در بازار تطبیق دهید. تلاقی کمک می کند! اگر در این مورد تردید دارید، تردید را از خود دور کنید!

صبور باشید و منتظر پین بار کامل بمانید. یک مثال از یک پین بار کامل در ادامه خواهیم داشت.



شکل ۲۶: طوفان کامل – یک پین بار در سطح مقاومت اصلی



شکل ۲۷: پین بارها بهترین سیگنالهایی هستند که من در بیش از ۵ سال معامله گری از آنها استفاده کرده ام



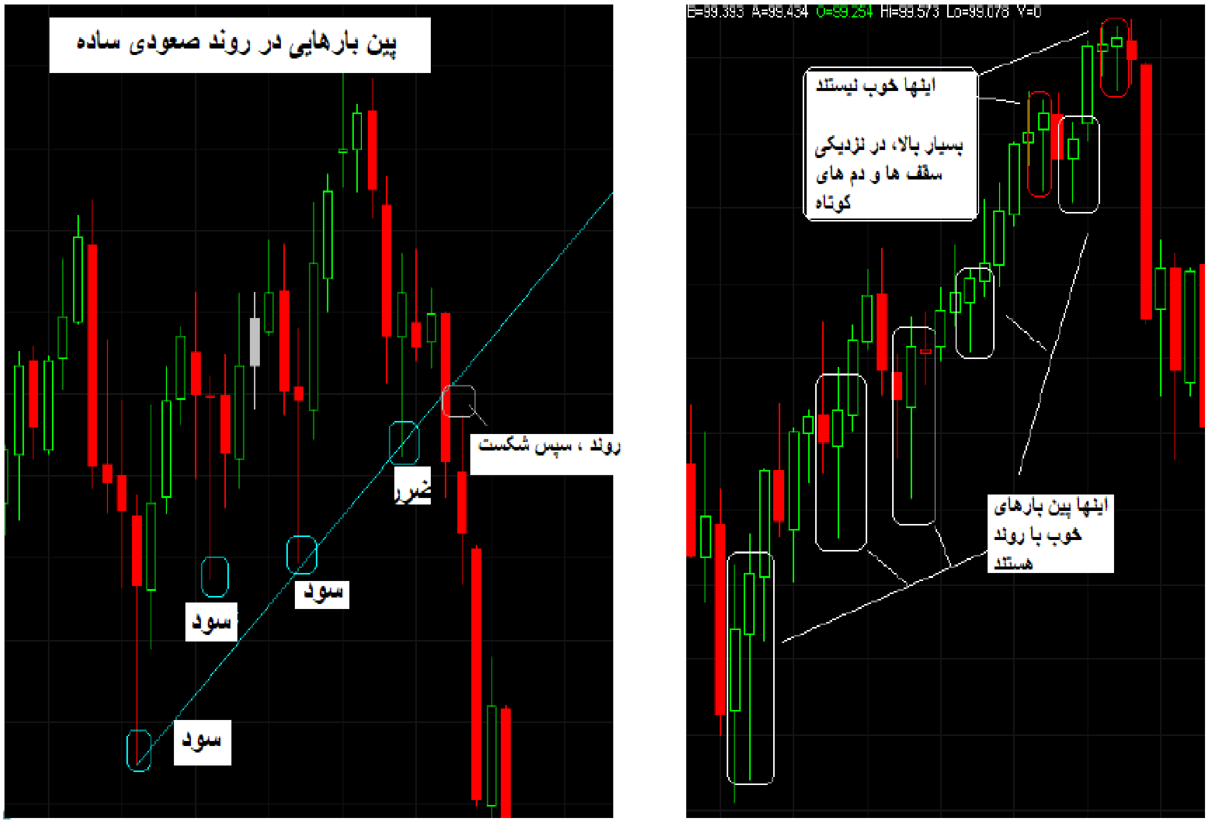
شکل ۲۸: پین بار معکوس با روند



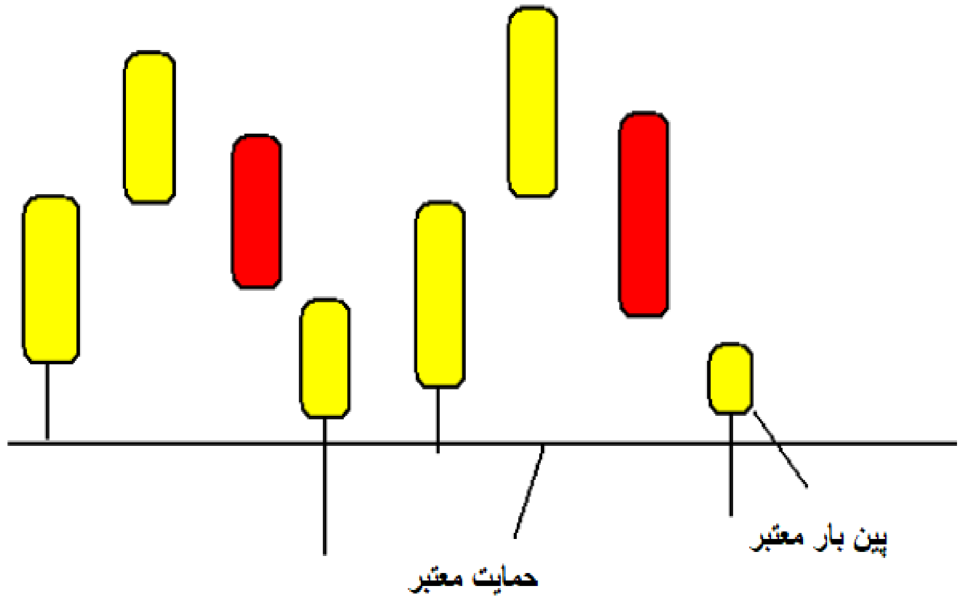
شکل ۲۹: پین بار از نوسان اصلاحی



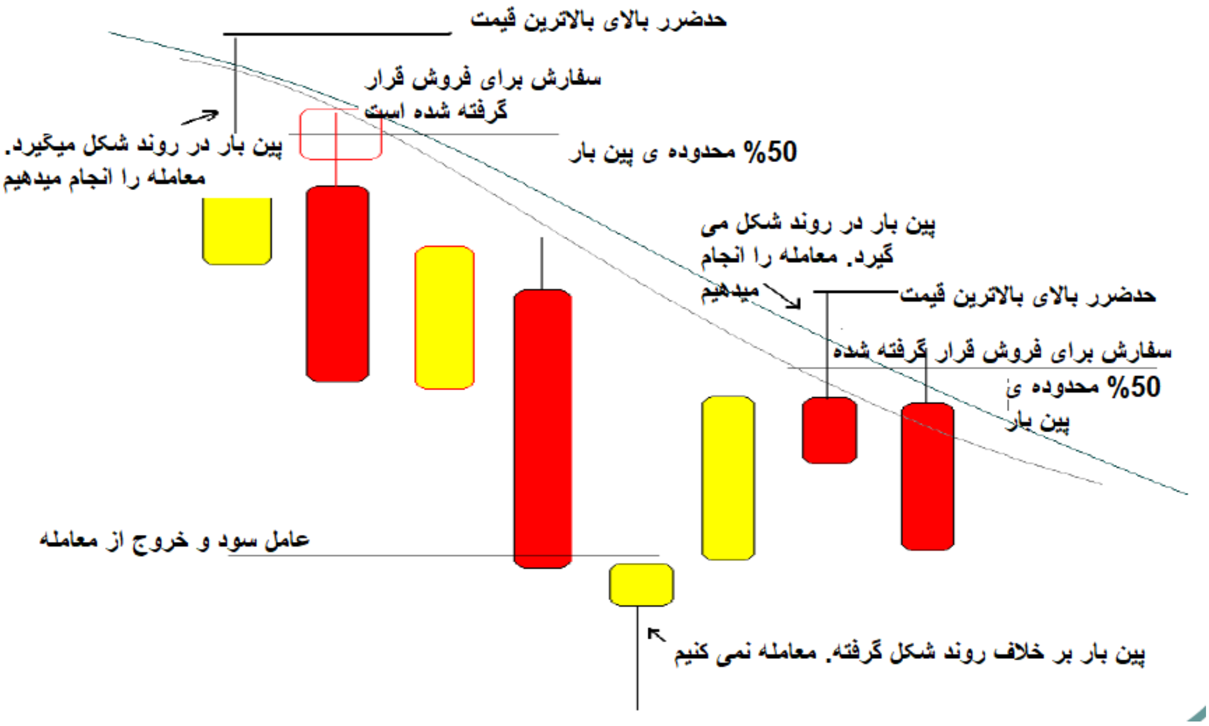
شکل ۳۰: پین بار هفتگی نقاط عطف را نشان می دهند



شکل ۳۱: پین بار معکوس با روند



شکل ۳۲: پین بار در سطوح افقی

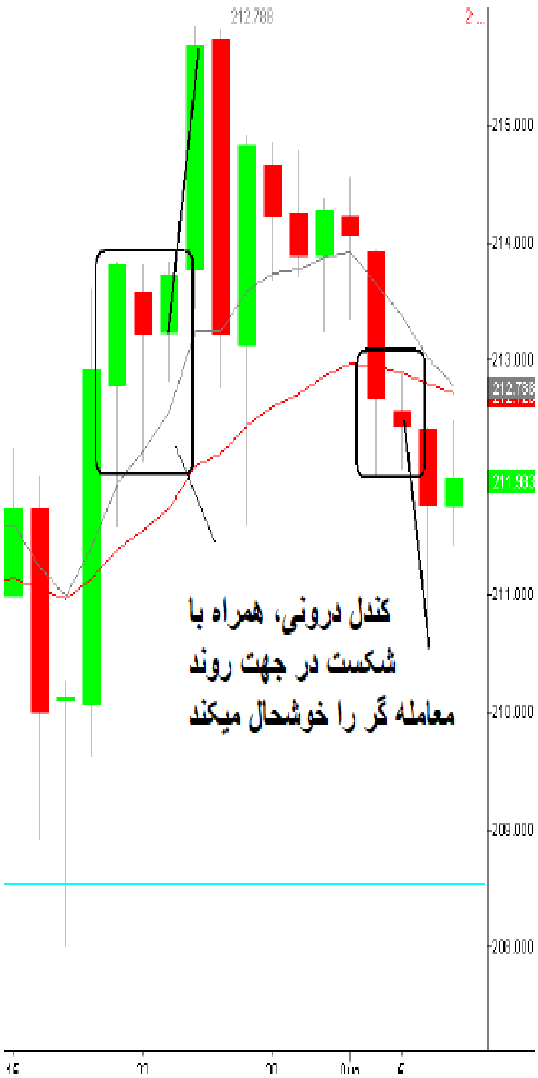


شکل ۳۳: مثال ورود پین بار با حدضرر و حد سود در روند

کندل درونی و الگوهای Hikkake

کندل های درونی، تقلبی- شکست کاذب

کندل درونی[۴] چیست



ورود کندل درونی - کندل درونی یک میله یا مجموعه ای از میله ها است که کاملا در محدوده ی میله ی قبلی قرار دارد، یا، به عنوان مثال، کف بالاتر و سقف پایین تر از میله ی قبل از خود دارد (برخی از معامله گران تعریف ملایم تری از کندلهای درونی برای گنجاندن میله های برابر استفاده می کنند). در یک چارچوب زمانی کوچک تر، شبیه یک مثلث خواهد بود.

یک کندل درونی نشان دهنده‌ی تردید و یا تثبیت است. کندل درونی اغلب در سقف ها و کف ها، در ادامه ی پرچم ها، و در نقاط تصمیم گیری کلیدی مانند سطوح حمایت/مقاومت اصلی پدیدار می‌شوند.

آن ها اغلب یک مکان کم ریسک را برای ورود به یک معامله، یا نقطه ی خروج منطقی فراهم می کنند.

مناسب ترین زمان برای استفاده از یک کندل درونی، هنگامی است که یک روند قدرتمند در حال پیشرفت است. اگر بر روی شکست آن مانور دهیم، حدضرر را می توان در زیر نقطه ی میانه ی کندل بیرونی یا مادر، قرار داد.

کندل های درونی در هنگام معامله ی یک روند در چارت ۲۴۰ دقیقه ای بسیار خوب هستند و می توانند برای شناسایی نقاط عطف بازار در هنگام معامله ی این روند، بسیار مناسب باشند.

---

٤ Inside bar

کندل های درونی اغلب حرکت بازار را از بین می برد، به همین دلیل، آن ها هم همراه روند و هم علیه آن ها، الگوهای برگشتی خوبی هستند.

مثال چارت را ببینید.



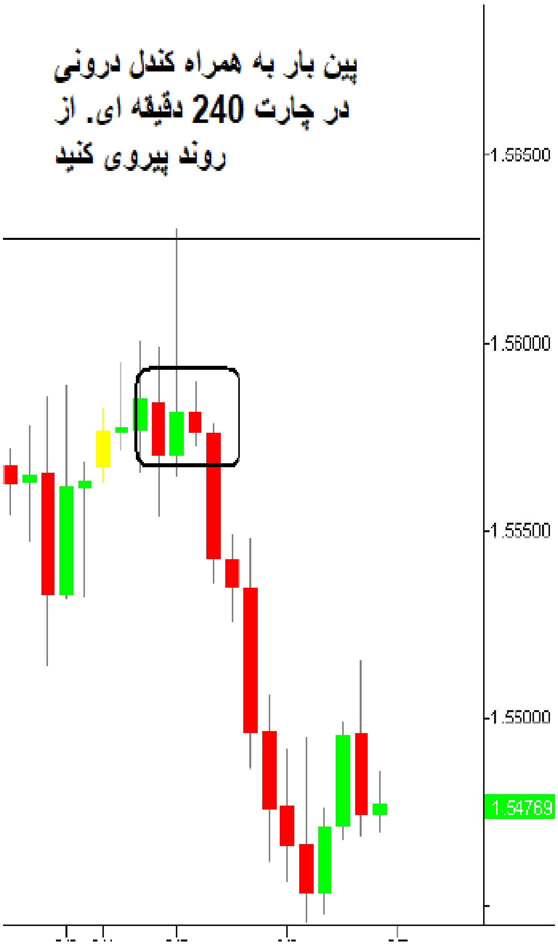
شکل ۳٤: کندل درونی در چارت روزانه

مشاهده ی کندل های درونی

هنگامی که برای اولین بار در معامله گری شروع به کار کردم، وقتی که آن ها تمایل بیشتری برای روند وسیع تر داشتند، من تنها از کندل های درونی درون روز استفاده می کردم.

من به این نکته پی بردم که کندل های درونی که پس از پین بار شکل می گیرند، واقعا عالی هستند! (به سمت راست نگاه کنید)

با گذشت زمان، خیلی زود متوجه شدم که استفاده از آن ها در سطوح کلیدی نیز میتواند بسیار سودآور باشد. با این حال، من هنوز به این نکته توجه دارم که اغلب اوقات، جهت کلی وسیع تر، تنظیمات معاملاتی با احتمال موفقیت بسیار بالایی در کندل های درونی، یا کندل درونی چندگانه، ایجاد خواهد کرد.



من متوجه شدم که یک دوره ی کوتاه مدت خلاف روند، اغلب بعد از یک کندل درونی متوقف می شود، اما ما منتظر ورود به بازار بعد از شکست قیمت و قرارگیری در جهت روند هستیم.

من همچنین متوجه شدم که کندل های درونی نزدیک سطوح کلیدی، به عنوان نشانه های معکوس در جهت مخالف روند عمل می کنند. هر چند که این اتفاق نادر بود.



شکل ۳۵: دسته کوچک (پین بار با کندل درونی)

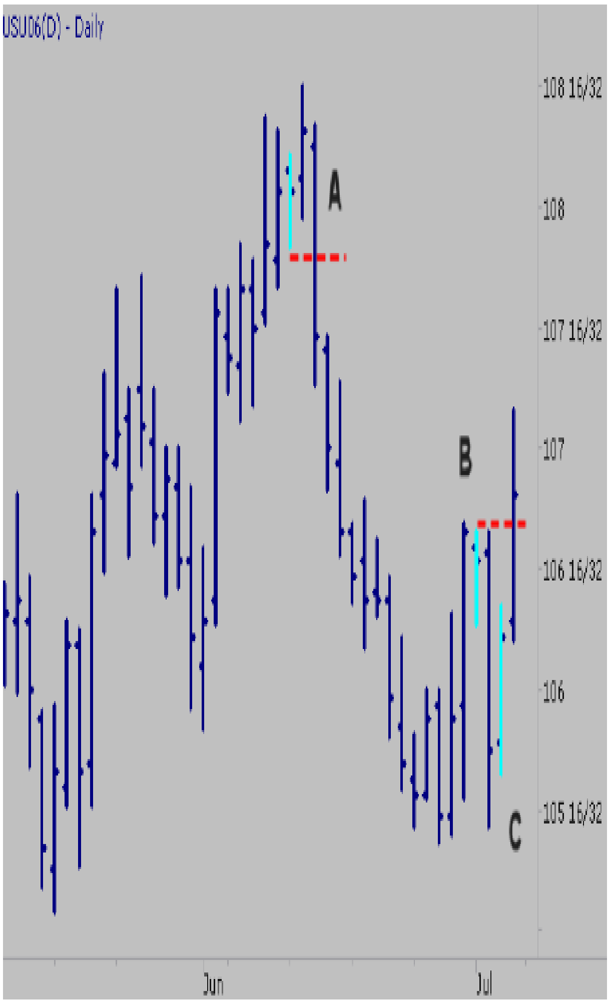
الگوی تقلبی یا Hikkake

«با نظارت بر تغییرات در الگوهای کوتاه مدت و اندیکاتورها، ما ممکن است بتوانیم در مراحل اولیه تغییر روند، با آن همراه شویم.»

Brett N. Steenbarger Ph.D

«به عنوان یک داستان نویس که تلاش می کند تا مخاطبان خود را تحت‌تاثیر قرار دهد، ائتلاف ها و متقلب ها تلاش می کنند تا مردم را گیج کنند و تحت تاثیر قرار دهند تا فکر کنند که یک سهام در جهت معینی حرکت می کند درحالی که هدف نهایی این است که آن را به جهت دیگری حرکت دهند.

Richard D. Wyckoff،



Hikkake تقلبی، الگوی شکست کاذب

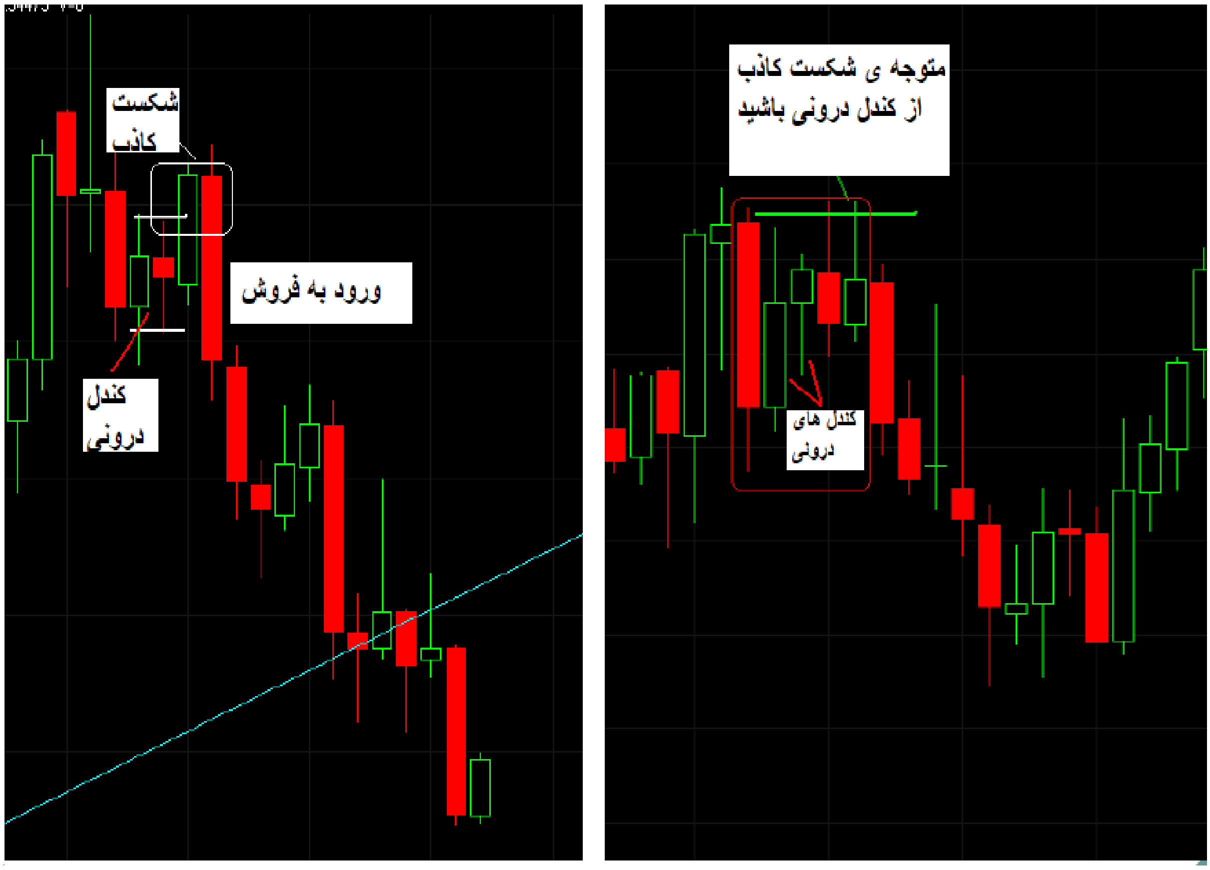
این الگو جایی است که ما یک شکست کاذب از یک سطح کلیدی، یا شکست کاذب یک کندل درونی را داریم.

به جای این که بازار با شکست اولیه ی الگوی کندل درونی حرکت کند، بازار «حرکت کاذب» انجام می دهد و در عرض چند روز آتی معکوس می گردد.

این شروع یک حرکت قدرتمند است که می تواند ۱ یا چند روز به طول انجامد.

حرکت های کاذب، روندها را در جهت مخالف ایجاد می کنند، زمانی که قیمت نمی تواند وارد یک معامله در عرض ۳ دوره از تنظیمات کندل درونی شود، تنظیمات «تایید نشده» هستند.

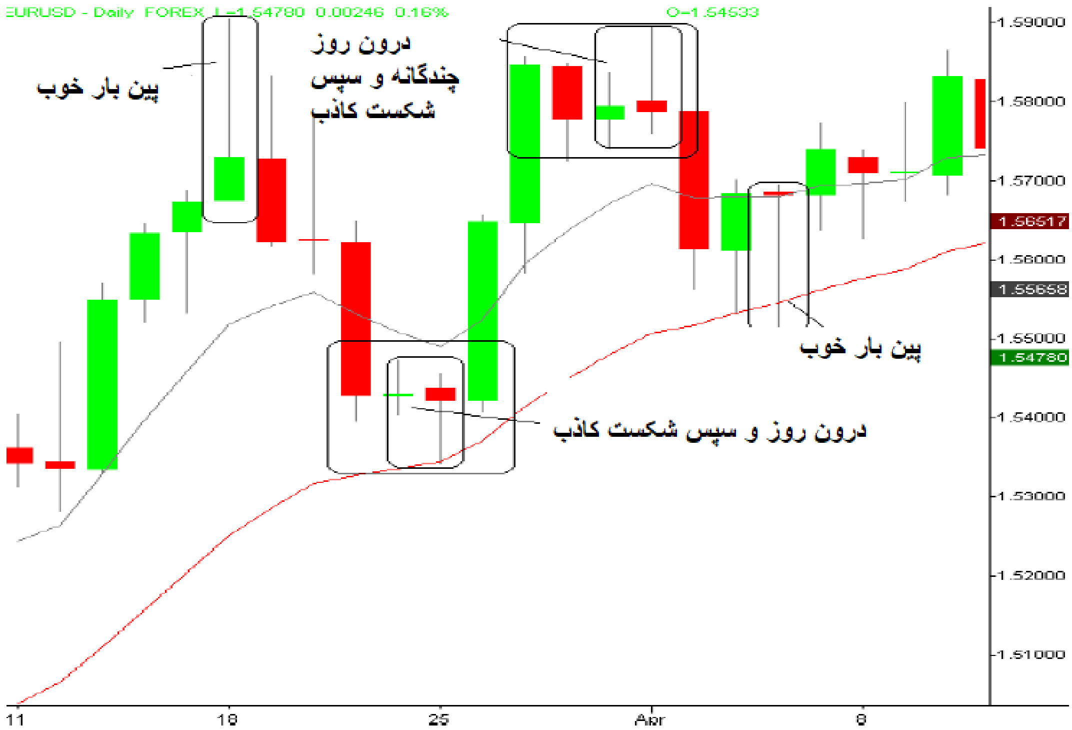
آن ها به بهترین شکل، بر اساس قیمت بسته شدن، کار می کنند، یعنی، آن ها به سختی می توانند معامله شوند مگر اینکه نسخه ی درون روز از این سیگنال مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۳۶: تقلبی در عمل



شکل ۳۷: بهترین تقلبی موجود



شکل ۳۸: پین بارها و تقلبی ها با هم ترکیب شده اند، توجه کنید که چه تعداد شکست کاذب منجر به تشکیل پین بار می شود



حوزه های رویداد و کندل های درونی

نسخه ی من از یک حوزه ی رویداد کندل درونی، اساسا منطقه ای از قیمت است که یک رویداد بزرگ را آغاز کرده است و یا آن را خاتمه می دهد.

من زیاد وارد دینامیک های این مفهوم نخواهم شد. برای اینکه آن را بسیار ساده کنیم، بازارها اغلب در مناطقی که رویدادهای اخیر قیمت رخ داده است، حمایت یا مقاومت پیدا می کنند، و به نقاط مرجع تبدیل می شوند ...

این تنها زمانی خواهد بود که من، به این موضوع اشاره می کنم، اما شما می توانید مطالعه ی خود را در این زمینه ادامه دهید.

چگونه می توانید یک حوزه ی رویداد قیمت را تشخیص دهید که به عنوان حمایت و یا مقاومت عمل می کند. مثال سمت راست را مشاهده کنید.

ورود ۶۰ و ۲۴۰ دقیقه

استفاده از رفتار قیمت برای ورود به روند



شکل ۳۹: معامله ی بازگشت پین بار در چارت ۱ ساعته روند کامل

معامله دو کندل معکوس در روند

من تنها از یک برگشت ۲ کندلی، و تنها زمانی که به وضوح از یک روند معکوس نشات می گیرد، در زمان معامله ی یک روند استفاده می کنم. بنابراین، من از یک مدل رفتار قیمت برای ورود به یک روند استفاده می کنم.

این الگو کمیاب است، اما بسیار شبیه به یک پین بار، یک حرکت سریع روبه بالا و کندل سریع نزولی است.

به طور موثر، آن ها نتایج مشابهی را به عنوان پین بار تولید می کنند، اما اجازه دهید که این موضوع را برایتان روشن سازم ... آن ها زمانی که کندل دوم، بالاترین یا پایین ترین قیمت کندل اول را می شکند (بسته به جهتی که شما معامله می کنید) بهترین هستند، من اغلب برای شکست کامل آنها، صبر می کنم.



به مثال ها توجه کنید:...



شکل ۴۰: پین بارهای ۲۴۰ دقیقه ای با روندها و حمایت و مقاومت



شکل ۴۱: کندل درونی ۲۴۰ دقیقه، تنها با روند مناسب است



شکل ۴۲: معامله پین بارهای روند و کندلهای درونی



شکل ٤٣: شکست کاذب با روند در چارت ۱ ساعته



شکل ٤٤: شکست کاذب درون روز تنها در جهت روند



شکل ٤٥: این اسلاید را از روز اول بیاد دارید؟ حالا با عقل جور درمیاد؟

جمع بندی برنامه معاملاتی (چگونگی اعمال تنظیمات معاملاتی)

برنامه معاملاتی

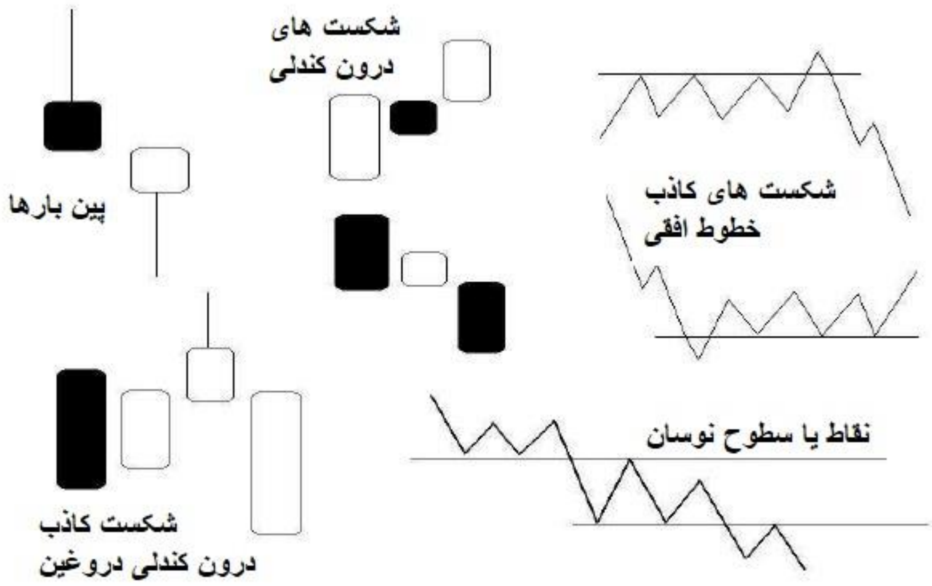
برنامه معاملاتی که ما دنبال می‌کنیم قبل از ورود به یک نوع چک لیست تبدیل می شود.

یک برنامه کمکی است برای معامله گر تا نظم را حفظ کرده و یک چک لیست یا مرجع برای هر تنظیمات معاملاتی و سناریو ارایه دهد. برنامه معاملاتی را نمی توان شکست داد، آن نسخه خودتان از قانون است، پس آن را دنبال کنید!

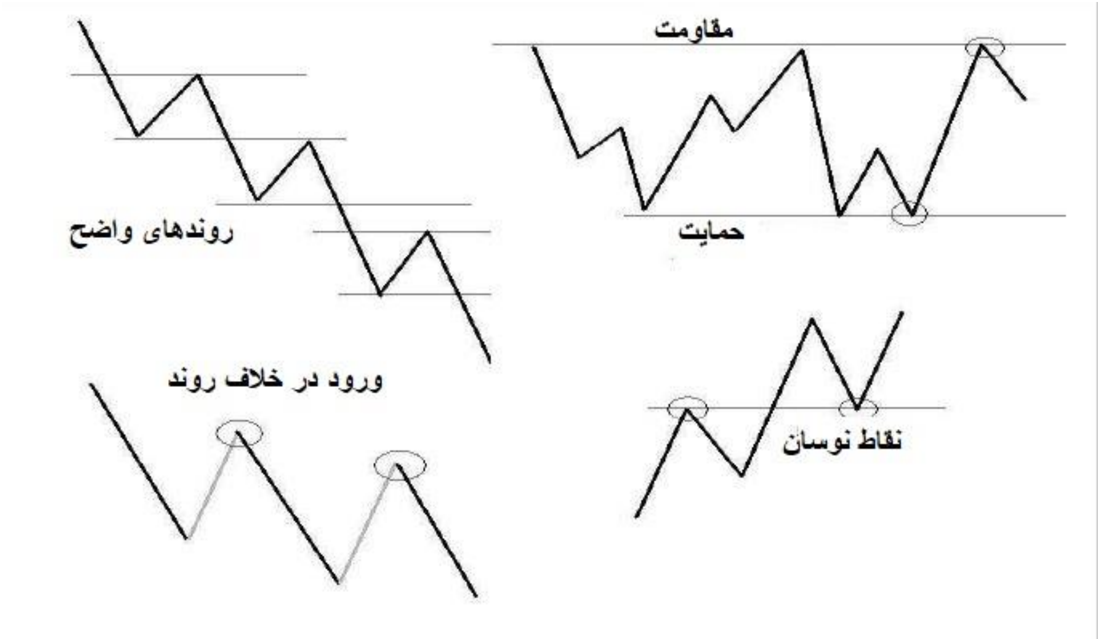
همیشه به خاطر داشته باشید، ما هرگز هر سیگنالی و یا هر جفت ارزی را معامله نمی‌کنیم. ما بعنوان انسان همواره در حال انتخاب کردن هستیم و لذا باید درک خوبی از رفتار قیمت داشته باشیم، این ترکیب با قوانین برنامه معاملاتی به موفقیت ما کمک خواهد کرد.

- قوانین مربوط به معامله درون کندلی.
- قوانین مربوط برای معامله پین بار.
- قوانین مربوط به معامله سیگنال های کاذب.
- قوانین مربوط به پین بار / درون بار ترکیبی.
- قوانین مربوط به معامله شکست کاذب.
- قوانین مربوط به معامله حمایت و مقاومت.
- قوانین مربوط به معامله نقاط نوسان در روندها.
- قوانین مربوط به استفاده از خلاف روند برای ورود به روند فعلی.
- پاداش به ریسک، حد ضرر و حد سود.
- اندازه بندی پوزیشن.
- موقعیت خود را تغییر دهید.

چک لیست رفتار قیمت



شکل ٤٦



شکل ٤٧

قوانین پین بار

ما یک پین بار را با اشکال گوناگونی که پیش می آید، می توانیم معامله کنیم.

۱. با روند (با شیب چارت عمومی).

۲. از یک نقطه حمایت یا مقاومت واضح که قبلا در تاریخچه قیمت اخیر تایید شده است.

۳. اشکال در یک نقطه واکنش روند در طول دوره نوسان، یا بازگشت.

قوانین دروغین

یک الگوی فیک (فیکی) را معامله خواهیم کرد اگر اینگونه شکل گرفته باشد:

۱. با روند غالب آشکار، شیب میانگین متحرک نمایی ۸ و یا ۲۱ روز.

۲. نزدیک کف یا سقف حرکت روند فعلی. (باید همیشه با شیب روند در یک راستا باشد)، این عمل به روند ادامه دار معروف است.

۲. در یک نقطه واکنش خلاف روند، یا در نقطه نوسان، و یا در سطح کلیدی حمایت و مقاومت در روند موجود.

۳. اگر خلاف روند باشد، باید با چیزی قوی مثل یک پین بار یا یک سطح بزرگ حمایت و مقاومت مشخص ترکیب شود.

بر روی برنامه خودتان کار کنید

یک برنامه معاملاتی به هیچ وجه مکانیکی نیست. این برای هر معامله گری منحصر به فرد است . این "راهنمای شما" است.

به سادگی مجموعه‌ای از فیلترها و تکنیک های غربالگری را بسازید، که منطقی و ساده هستند. این راهنما برای شما است تا از آن پیروی کنید تا مطمئن شوید که دچار مشکل نشوید و از تصمیم گیری احساسی و خود به خودی اجتناب می کنید. این یک سیستم یا استراتژی نیست، همانطور که می‌گویم "راهنمای شما" برای ماندن در بازی و اجتناب از اشتباه احمقانه است.

هر روز شما می‌توانید دفتر خاطرات شخصی خودتان را مورد بررسی قرار دهید و باید آن را به صورت محرمانه، نزد خودتان نگه دارید.

می‌توانم به شما بگویم که اگر روزانه این دفترچه را در مورد چند جفت ارز بنویسید، به زودی در چارت خواندن به شدت با استعداد می‌شوید، تنها مسئله گذر زمان است.

مدیریت سرمایه و معامله

مدیریت مالی، کنترل ریسک و برنامه معاملاتی

ریسک و بازگشت – درباره ی پیپ یا درصد نیست

بگذارید منظورم را واضح بیان کنم

ریسک و بازگشت این است که به عنوان ریسک دلاری یا درآمد دلاری مورد انتظار است، بنابراین ریسک و بازگشت به عنوان درصد یا پیپ بیان نمی شود.

چون به دست آوردن یا از دست دادن پیپ فقط نیمی از داستان را بازگو می کند. چه مقدار لات در معامله شما به طور چشمگیری به سود و زیان درآمد دلار یتان اثر می‌گذارد، در نتیجه هیچ معامله گری نباید به پیپ ها به عنوان مقیاس بازگشت سرمایه خود بنگرد!!

به همین دلیل است که معامله کنندگان با یک حد ضرر بزرگ معامله می کنند، چراکه به پیپ ها فکر می‌کنند، نه ریسک به دلار، و این یک اشتباه بزرگ برای معامله گران تازه کار است.

۶ صفحه بعد، موضوع مدیریت مالی است و به حقیقت درباره اینکه چگونه یک معامله گر حرفه ای در مورد ریسک سرمایه و بازگشت و مدیریت معامله فکر می‌کند، می پردازیم.

قسمت اول

مدیریت ریسک فارکس: چرا اندازه پوزیشن جایگاه مهم تر از مقدار پیپ های مورد ریسک ما دارد.

تعیین اندازه پوزیشن ابزاری است که اغلب نادیده گرفته می‌شود و یا بسیاری از معامله گران به سادگی چیزی از آن نمی‌دانند. تعیین اندازه پوزیشن در معاملات فارکس بسیار مهم است و هر کس که به طور فعال بازار فارکس را معامله کند، باید به طور کامل درک کند که چرا مهم است و چگونه می‌تواند در رابطه با کمک به شما در مدیریت احساسات سهیم باشد. بسیار مهم تر است که ریسک خود را در مورد هر معامله ای، با نسبت ریسک دلاری به پیپ اندازه‌گیری کنید. بسیاری از معامله گران تازه کار و ماهر به اشتباه تصور می‌کنند که حد ضررهای گسترده تر به آن ها اجازه می دهد تا ریسک های بزرگ دلاری را بپذیرند و حدضررهای کوچک تر به آن ها اجازه خواهد داد تا زیان های دلاری کوچکتری را متحمل شوند. این یک فرض غلط است و دلیل بزرگی است که چرا شما باید نقشی را که تعیین اندازه پوزیشن می‌تواند در موفقیت معاملاتی فارکس شما ایفا کند، درک کنید.

بازار فارکس بیش ترین انعطاف‌پذیری را در تعیین اندازه پوزیشن ارائه می دهد.

اگر شما یکی از معامله گران فارکس هستید که خود را متقاعد کرده اند که تعیین اندازه پوزیشن و مدیریت ریسک مهم نیست چون سیستم و یا روش معامله شما خیلی دقیق است، یا به این دلیل که احساس می کنید بردهای پیاپی اخیر شما هرگز به پایان نخواهد رسید، لطفا این مقاله را بیش از هر کس دیگر بخوانید. بازار فارکس انعطاف پذیری شدیدی را در تعیین اندازه پوزیشن ارایه می دهد؛ این یکی از بزرگ ترین مزیت هایی است که معامله گران فارکس نسبت به افرادی که سهام یا کالاهای تجاری را معامله می کنند، دارند. یک لات واحد پول فارکس در حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ است و بستگی به این دارد که شما چه نوع معامله ای دارید. تقریبا تمام کارگزاران در حال حاضر مینی لات را به عنوان اندازه پوزیشن معمول پیشنهاد می دهند، کوچک ترین مقدار برای مینی لات تقریبا ۱ دلار به ازای هر پیپ است، و یک بار دیگر این بستگی به جفت ارزی دارد که شما در آن معامله می کنید. در حال حاضر بسیاری از کارگزاران فارکس به شما اجازه می دهند که به اندازه میکرولات معامله کنید که عملا به اندازه یک پنی در هر پیپ است، با این حال اکثر کارگزاران فقط به ۱۰ سنت برای هر پیپ در میکرولات راضی می شوند. این انعطاف پذیری فوق العاده در اندازه پوزیشن به مردم امکان می دهد تا یک حساب معاملاتی با ارزش ۲۵۰ دلار باز کنند و هنوز هم شانس جنگیدن و پیروز ساختن آن را دارند. آتی، کالا یا سهام، انعطاف‌پذیری تعیین اندازه پوزیشن که ارایه می دهند حتی نزدیک به پوزیشن های فارکس نیز نمی باشند.

قسمت دوم

یک درس سریع در مورد اندازه‌گیری پوزیشن

اندازه پوزیشن اساساً تعداد لاتی است که شما در هر معامله مبادله می‌کنید، چه لات ها استاندارد، مینی، یا میکرو باشند. به عنوان مثال اگر شما ۲ مینی لات از *GBPUSD* به ارزش ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا معامله کنید و بسته به اینکه آیا نرخ مبادله بین پوند انگلیس و دلار آمریکا به نفع شما باشد، برنده یا بازنده خواهید بود، و مقداری برابر با ۲ دلار در هر پیپ حرکت خواهد داشت. بنابراین اگر شما ۱۰۰ پیپ به دست آورید، ۲۰۰ دلار سود خواهید برد. لذا ما می‌توانیم ریاضیات پشت این موضوع را درک کنیم، از یک زاویه متفاوت به آن نگاه خواهیم کرد؛ اگر *GBPUSD* از ۱/۵۶۰۰ به ۱/۵۵۰۰ حرکت کند که یک حرکت ۱۰۰ پیپ کرده است، که در واقع برابر با یک تفاوت قیمت ۱۰ سنتی در نرخ مبادله *GBPUSD* است. خوب، ما هم اکنون این کار را می‌کنیم. ۰/۱ ضربدر ۲۰ هزار برابر با ۲۰۰ دلار است.

یک لات استاندارد به شما اجازه می‌دهد تا حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ داشته باشد، ۱ مینی لات به شما اجازه می‌دهد حدود ۱۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و برابر با ۱ دلار در هر پیپ است. و هر میکرولات اجازه کنترل ۱۰۰۰ دلار را می دهد و ۱۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. بنابراین، اگر

یک حساب معاملاتی استاندارد باز کنید و معاملات مینی لات را انتخاب کنید، یک مینی لات برابر با ۰/۱ لات خواهد بود، ۵ مینی لات برابر با ۰/۵ لات استاندارد و ... خواهد بود. . اگر یک حساب تجاری مینی لات باز کنید و بخواهید بر روی میکرولات معامله کنید، هر میکرولات برابر با ۰/۱ مینی لات و ۵ میکرولات برابر با ۰/۵ مینی لات و ... خواهد بود. بنابراین در نتیجه، اندازه واقعی پوزیشن شما بستگی به این دارد که شما یک حساب استاندارد، مینی و یا میکرو داشته باشید و اینکه چه تعداد لات معامله دارید، میکرولات ها به طور کلی یک تابع حساب مینی هستند و اکثر کارگزاران حساب‌های میکرولات را ارایه نمی‌کنند. دانستن این اطلاعات مهم است تا بتوانید درک خود از اندازه پوزیشن را بر پایه یک پایه اساسی محکم بسازید.

قسمت سوم

تعیین اندازه پوزیشن و نسبت ریسک به پاداش

این کاملا برای سودآوری سازگار شما در بازار فارکس بسیار مهم است که شما باید اهمیت نسبت پاداش به ریسک و نحوه ارتباط آن با تعیین اندازه پوزیشن را درک کنید. قبل از ورود به هر معامله ای، باید مقدار دقیق دلاری که شما می‌خواهید در آن ریسک کنید و پاداش دقیقی که فکر می‌کنید می توانید بر روی آن بدست آورید را بدانید. در هیچ نقطه ای نباید سود ببرید که کم تر از میزانی است که شما در معامله به خطر می اندازید، و تا یک دقیقه دیگر خواهید دید که چرا این موضوع بسیار مهم است. زمانی که مقدار دلار مورد ریسک را تعیین کردید، شما می‌خواهید ریسک را ارزیابی کنید تا اندازه پوزیشن خود را طوری تنظیم کنید که این مقدار را برآورده سازد. اگر شما معامله میکرولات دارید و می‌خواهید ۵۰ دلار را در یک معامله با ۱۰۰ پیپ حد ضرر داشته باشید پس اندازه پوزیشن شما ۰/۵ است.(به خاطر داشته باشید که ۵ میکرولات نصف ۱ مینی لات است).

۰/۵*۱۰۰=۵۰$ پس شما باید یک اندازه پوزیشن ۰/۵ مینی لات داشته باشید (۵ میکرو لات)، ۵۰ دلار را با نسبت هر پیپ ۵۰ سنت به خطر می اندازید.

شناخت نسبت ریسک به پاداش بسیار مهم است. اگر در یک معامله ۱۰۰ دلار ریسک کنید و هدف تان ۲۰۰ دلار است، نسبت برد شما دو برابر ضررتان است، این یک ریسک به پاداش ۱: ۲ است. مهم است بدانید که با ریسک به پاداش ۱: ۲ شما می‌توانید بیش از ۵۰ % از معامله های خود را از دست بدهید و در عین حال پول خود را در طول زمان به دست آورید، در واقع شما می‌توانید ۶۵ درصد از معاملات خود را با ریسک ۱: ۲ از دست بدهید و هنوز پول ساز باشید. اگر شما تنها ۳۵ درصد از آن ها را با ریسک ۱: ۲ ببرید، ۵۰ دلار سود خواهید برد، در صورتی که ۱۰۰ دلار در هر معامله ریسک کنید.

اینجا، جایی است که قدرت ریسک در برابر پاداش وارد بازی می شود. بسیاری از معامله گران به اشتباه معتقدند که آن ها باید درصد بالایی از معاملات خود را ببرند تا در بازار پول کسب کنند. واقعیت این است که درصد برد تقریباً در این است که آیا شما در بلند مدت پولساز هستید یا خیر. آنچه مهم است این است

که اگر از نسبت ریسک در برابر پاداش استفاده کنید، به عنوان مثال، اگر بازده ۳ برابر میزان ریسک باشد، نسبت ریسک به پاداش شما ۱: ۳ است.

این به طور موثر به این معنی است که شما می‌توانید ۷ تا از ۱۰ معامله را از دست بدهید و هنوز هم پول در بیاورید. در یک ریسک ۱۰۰ دلاری شما ۷۰۰ دلار در ۱۰ معامله از دست خواهید داد، اما شما ۹۰۰ دلار از معاملات خود را به دست خواهید آورد، زیرا ریسک شما در برابر پاداش ۱:۳ است، بنابراین ۲۰۰ دلار سود خواهید داشت، اگر چه ۷۰ درصد از معاملات را از دست داده اید. شما باید شروع کنید به این که چطور این کار را انجام دهید، چرا داشتن درصد بالای معاملات برنده مرتبط نیست، و چرا مهم است که یک ریسک ۱:۲ یا بالاتر از هر معاملاتی که می‌گیرید را حفظ کنید. واقعیت این است که برد بیش از ۵۰ درصد از معاملات شما در هر بازار بسیار دشوار است، اغلب معامله گران حرفه ای تنها حدود ۵۰ درصد از معاملات را در طول مدت طولانی برنده می شوند، اما آن ها قدرت نسبت ریسک به پاداش را درک می کنند، بنابراین آن ها هنوز قادر به دریافت پول بسیار خوبی هستند.

قسمت چهارم

ریسک به دلار و نه به پیپ اندازه‌گیری می‌شود.

تعیین اندازه پوزیشن به شما این امکان را می دهد که تعداد زیادی از حجم معاملاتی خود را تنظیم کنید تا میزان پولی که می خواهید برای هر معامله ریسک شود را برآورده کنید. این به شما این امکان را می‌دهد که از حد ضررهای بزرگتر استفاده کنید، اما همچنان ریسک دلاری مورد نظر خود را حفظ کنید. بسیاری از معامله گران فارکس به اشتباه باور دارند که حدضررهای بزرگتر به معنای یک ریسک بزرگ تر خواهد بود. اگر مقدار ریسک مورد نظر ۱۰۰ دلار است اما شما می‌خواهید حد ضرر خود را در سطحی که ۲۰۰ پیپ از ورودی شما فاصله دارد قرار دهید، و یا اینکه به سادگی اندازه پوزیشن خود را برای برآورده کردن سودتان به مقدار دلار تنظیم کنید. به عنوان مثال، فرض کنیم که شما ۱ مینی لات معاملاتی *GBPUSD* دارید، یک ریسک ۱۰۰ دلاری با یک حد ضرر ۲۰۰ پیپ به اندازه پوزیشن ۰/۵ (یا ۵ میکرو لات) دارید، شما نصف یک مینی لات را معامله می کنید که ۰/۵۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. ۵۰ * ۲۰۰ = ۱۰۰ دلار می شود. بنابراین، افزایش فاصله حد ضررهای شما، به این معنا نیست که شما باید ریسک خود را افزایش دهید. بسیاری از مردم حد ضررهای خود را تنظیم می کنند اما اندازه پوزیشن خود را تنظیم نمی کنند؛ این یک اشتباه بزرگ است و دلیل اصلی نابودی حساب های معاملاتی است. اگر شما شروع به ریسک ۱۰۰ دلار با حد ضرر ۱۰۰ پیپ در معامله کنید، اما بعد تصمیم بگیرید ۱۰۰ پیپ دیگر آن را جابه جا کنید و ریسک خود را به ۲۰۰ پیپ (۱ دلار برای هر پیپ * ۲۰۰ پیپ = ۲۰۰ دلار) افزایش دهید، این گناه اصلی معامله شما است و چیزی است که توان پایبندی به آن را ندارید. شما باید قبل از ورود به معامله ریسک خود را به دلار تعریف کنید و سپس اندازه

پوزیشن خود را بر طبق آن تنظیم کنید تا نقطه حد ضرر مورد نظر را برآورده کنید تا میزان ریسک دلاری مورد نظر را حفظ کنید.

به همین ترتیب بسیاری از معامله گران فکر می کنند که حد ضررهای کوچک به معنای کاهش ریسک دلاری است. با این حال، همیشه این مسئله اصلی نیست، اما اندازه پوزیشن این مساله را توضیح می دهد. اگر یک معامله گر یک حد ضرر ۵۰ پیپ دارد اما ۵ دلار به ازای هر پیپ (۵ مینی لات) معامله می کند، ریسک او در معامله ۲۵۰ دلار است. اگر شخص دیگری حد ضرر ۱۰۰ پیپ داشته باشد اما ۲ دلار به ازای هر پیپ (۲ مینی لات) معامله کند، پس ریسک او ۲۰۰ دلار در معامله است. همانطور که مشاهده می‌کنیم یک حد ضرر کوچک تر لزوما به معنای خطر کوچک تری نیست، تعیین اندازه پوزیشن، ریسک دلاری شما را بر روی معامله تعیین می‌کند، نه پیپ. بنابراین، از این مثال ها، درس اصلی این است که ریسک باید همیشه در مقدار دلار محاسبه شود، نه پیپ، زیرا اندازه پوزیشن شما میزان ریسک شما به دلار را تعیین می کند، نه اندازه پیپ های مورد ریسک شما.

قسمت پنجم

برنامه مدیریت ریسک خود را حول تعیین اندازه پوزیشن و نسبت های ریسک به پاداش ایجاد کنید.

معامله گران اغلب می شنوند که آن ها باید یک برنامه مدیریت ریسک داشته باشند، اما اغلب اوقات ایده آن به نوعی انتزاعی به نظر می‌رسد، بنابراین آن ها به طور آگاهانه یا ناخودآگاه فکر می کنند که در معامله بسیار خوب هستند و به یک برنامه مدیریت ریسک مشخص نیاز ندارند. نکته اصلی در اینجا این است که اگر واقعاً می‌خواهید شانس مبارزه و کسب پول در بازار فارکس را داشته باشید، قطعا باید یک فکر خوب و مدیریت ریسک واضح تعریف کنید . هیچ راهی برای این واقعیت وجود ندارد، شما می توانید برای مدتی شانس بیاورید و بدون مدیریت ریسک، پول کسب کنید، اما هر معامله گر با تجربه به شما خواهد گفت که شانس تا مدتی همراه شما خواهد بود و عادت عدم مدیریت ریسک همیشه برای اذیت کردن شما باز خواهد گشت و هر بار سخت تر از آخرین بار عمل خواهد کرد.

مدیریت ریسک نیاز به پیچیده بودن یا مشکل پیاده‌سازی ندارد. اکثر کتاب های معامله گری و یا وب سایت‌های معامله گری واقعاً هیچ گونه جزئیاتی درباره برنامه های مدیریت ریسک ارائه نمی دهند؛ آن ها فقط به طور خلاصه اهمیت برنامه های مدیریت ریسک را بیان می‌کنند و سپس به صحبت در مورد برخی از این اندیکاتورها و یا چیزهای پوچ دیگر ادامه می دهند. این چیزی است که باید در نظر بگیرید، به ترتیب، حداقل در برنامه مدیریت ریسک فارکس:

نسبت ریسک به پاداش خود را قبل از ورود به معامله مشخص کنید

براساس تنظیماتی که برای ورود به آن استفاده می کنید، حد ضرر و حد سودتان در کجا قرار دارد؟ اگر نمی توانید پاداشی دریافت کنید که حداقل ۲ برابر ریسک شما باشد. یک ریسک به پاداش کم‌تر از ۱: ۲ در طول زمان پایدار نیست زیرا حفظ درصد برد برای حفظ سودآوری در ریسک زیر ۱: ۲ دشوار است. به طور ایده آل شما باید به دنبال یک ریسک به پاداش ۱: ۲، ۱: ۳ یا ۱: ۴ باشید، زیرا این نسبت ها با بیش ترین احتمال برآورده شدن پیش از وقوع هرگونه بازگشت مهمی رخ می دهند.

قسمت ششم

اندازه پوزیشن خود را تنظیم کنید تا میزان ریسک مورد نظر را حفظ کنید.

زمانی که نسبت ریسک به پاداش خود را برای معامله مشخص کردید، باید اندازه پوزیشن مناسب را اجرا کنید تا مطمئن شوید که ریسک دلاری از پیش تعیین شده خود را حفظ کرده اید. نکته در اینجا این است که همه تنظیمات برابر با هم نیستند؛ در هر روش معاملاتی ذاتاً مقداری اختیار وجود دارد. بنابراین بسته به کیفیت تنظیمات، شما ممکن است تصمیم بگیرید که بیش از حد یا کمتر از معمول خود را به خطر بیندازید. هر تصمیمی که می گیرید باید مطمئن شوید که اندازه پوزیشن را برای رسیدن به حد ضرر مورد نظر تنظیم کنید تا ریسک دلاری خود را حفظ کنید.

درک کنید که مقدار دلاری که در هر معامله به خطر می افتد تاحدودی اختیاری است. معاملات فارکس، بیشتر هنر است تا علم؛ شرایط می تواند قرّار باشند یا ساکن، روند دار یا رنج، یا هر ترکیبی از این چهار مورد می تواند باشد. هر روش معاملاتی ذاتا درجاتی از اختیار را به همراه دارد، مگر اینکه یک سیستم "ربات" داشته باشید، که هرگز در طولانی مدت کار نمی‌کند. به این ترتیب ممکن است در مورد علاقه شما به ریسک کمی بیشتر و یا کم تر، کیفیت تنظیمات موجود متغییر باشد. این جایی است که سپری کردن زمان در بازار و تجربه به کار می‌آیند. اگر شما یک معامله گر تازه کار هستید که تجربه زیادی با روش مورد استفاده ندارد، قاعده کلی می گوید ریسک کم تر از ۳ درصد در هر معامله مجاز است. همانطور که در تجربه رشد می کنید و یاد می گیرید، بسته به شرایطی که به آن نیاز دارید، می توانید ریسک بیشتری داشته باشید. این یک روش بسیار پیشرفته است، اگرچه معامله گرانی که سال ها تجربه ندارند، هرگز نباید بیش از ۳ % در هر معامله ریسک کنند.

مدیریت سرمایه

کاهش ضررها

یک معامله به احتمال زیاد بر ثبات روانی شما تاثیر می گذارد و می تواند باعث شود که شما از کنترل خارج شوید و یک میزبان تمام عیار از اشتباهات معاملاتی شارژ شده را مرتکب شوید.

به همین دلیل است که اغلب معامله گران ارز که تازه کار هستند به مدت خیلی طولانی معامله نمی‌کنند، زیرا آن ها قادر به حفظ ضررها به مقدار کوچک نیستند. زمانی که پول را در معامله از دست می دهید، سرمایه کمتری برای کار دارید. بنابراین برای اینکه آنچه را از دست داده اید پس بگیرید، باید درصد بالاتری از آنچه را که از دست داده اید، به دست آورید. در ابتدا اندازه های پوزیشن خود را کوچک نگه دارید وحد ضرر را اعمال کنید.

ما فارکس را برای قمار کردن معامله نمی کنیم. مهم است که تراز معاملاتی خود را حفظ کنید. اگر ۲۵ درصد از پول حساب خود از دست بدهید، باید زندگی معاملاتی را متوقف کرده و به معاملات دمو بازگردید تا زمانی که به طور سودآوری معامله کنید.

هدف خود را ثبات قرار دهید

سعی کنید ماه به ماه درآمد ثابت داشته باشید، اهداف خود را تعیین کرده و آماده باشید که زمانی که اهداف تان عملی شد، از آن خارج شوید. معاملات بیش از حد، قاتل معامله گران است.

حد ضررهای محافظتی

همه روش های معاملاتی خوب از حد ضرر استفاده می کنند.

حد ضرر حفاظتی دستوری است برای خروج از یک پوزیشن خرید یا فروش و برای اجرا شدن آن باید قیمت بر خلاف شما تا نقطه ای خاص حرکت کند. حد ضرر غیر معمول، ضرر بزرگی را به بار می آورد و باید به یک روش و یا روش های دیگر استفاده شود.

یک حد ضرر اولیه را می توان با سفارش شما روی پلتفرم معاملاتی قرار داد. اگر حد ضرر فعال شود، معامله به طور خودکار بسته خواهد شد. این نوع حد ضرر به شما این امکان را می دهد که از کامپیوتر دور شوید تا تلویزیون تماشا کنید، با افراد صحبت کنید یا ساختمان را ترک کنید. این حد ضرر ایده آل است و توسط بسیاری از معامله گران موفق استفاده می شود. اگر معامله آنطور که به نظر نمی رسد به مسیر خود ادامه

دهد، هنوز هم می توانید این معامله را به صورت دستی ببندید. اگر بخرید، حد ضرر تان پایین‌تر از بازار خواهد بود. اگر بفروشید، حد ضرر شما باید بالای بازار قرار داده شود.

حد ضرر ذهنی / حد ضرر زمانی

این نقطه ای است که شما برای یک خروجی انتخاب می کنید اگر معامله هر کاری را که ممکن است برخلاف آنچه که انتظار داشتید انجام دهد. این به معنای ترس یا تسلیم شدن به احساسات نیست. بهترین مثال، اگر وارد یک معامله شوید، و برای ۵ روز آینده بازار در محدوده باریک بالا و پایین رود و تنظیمات اولیه معاملاتی را از بین ببرد، این ممکن است اینگونه باشد که شما از یک حد ضرر ذهنی استفاده می‌کنید و همچنین از یک حد ضرر طبیعی به عنوان پشتیبان برای اشتباهاتان استفاده می کنید. طبیعتاً، کارگزار نمی تواند به یک حد ضرر ذهنی دست بزند، چون نمی تواند آن را ببیند.

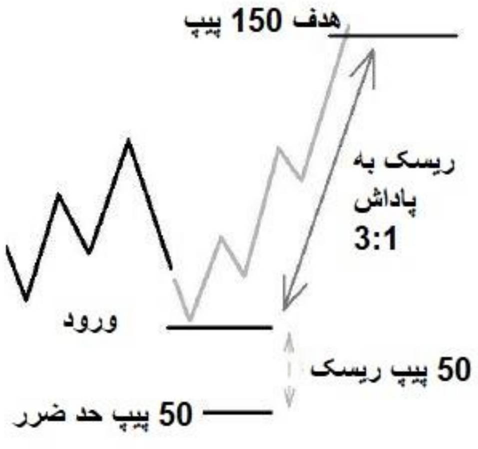
حد ضرر متحرک

حد ضرر متحرک ضروری نیستند. این امر مستلزم حرکت دادن حد ضرر معامله گر، همزمان با پیش روی معامله به نفع او است. مثال، در یک معامله خرید، *EURUSD* به طور پیوسته از ورودی به ۱٫۲۳۰۰ حرکت می کند تا ۱٫۲۵۰۰ را لمس کند، معامله گر حد ضرر خود را به ۱٫۲۳۰۰ می آورد و در نقطه سربه سر قفل می کند و حتی اجازه می دهد که سود ادامه یابد. این ها دستورات بسیار پیشرفته ای هستند که بعداً مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

حد ضرر اضطراری

اگر شما برای زمان بسیار کوتاه معامله می کنید، بدون حد ضرر، (پیشنهاد نمی‌شود).

این "حد ضرر اضطراری" یک دستور توقف استاندارد است که ۱۰۰ پیپ پایین تر یا بالاتر از قیمت ورودی شما قرار داده می شود تا در صورت خرابی کامپیوتر، اینترنت، افزایش ناگهانی ناشی از اخبار غیر منتظره و غیره، در امان باشید، امیدوارم هیچگاه اینگونه معامله نکنید.



شکل ۴۸

یک نسبت ریسک به پاداش ۱:۳ مثبت به این معناست که اگر ۵۰ پیپ حد ضرر قرار دهیم انتظار برد ۱۵۰ دلار را داریم. این بسیار بهتر از نسبت ریسک به پاداش ۲:۱ منفی است که اگر ۵۰ دلار حد ضرر داشته باشیم انتظار ۲۵ دلار را داشته باشیم.

درصد برد، بدون در نظر گرفتن نسبت های ریسک به پاداش در فرایند معامله گریمان کاملاً بی ارتباط خواهند بود. اگر سودمان بیشتر از ضررمان باشد، حساب معاملاتیمان در بلند مدت رشد خواهد کرد.

تعیین اندازه پوزیشن

معاملات با اندازه مناسب می‌تواند تفاوت بین ضرر و زیان باشد

تعیین اندازه پوزیشن فرآیند تعیین میزان سرمایه‌گذاری و یا ریسک در هر معامله واحد است. تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات فعال، در مقابل سرمایه گذاری بلند مدت متفاوت است. در مورد معاملات کوتاه‌مدت، معمولا در صورتی که معامله بد پیش برود، اغلب شما می توانید میزان ضرر خود را محاسبه کنید.

در استراتژی های سرمایه گذاری بلند مدت، تعیین اندازه پوزیشن کمی پیچیده تر است و ممکن است به استراتژی بازی بستگی داشته باشد. در این بخش ما بر روی تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات کوتاه مدت تمرکز خواهیم کرد.

تحمل ریسک خود را مشخص سازید و به یک برنامه وفادار بمانید

مزیت تعیین اندازه پوزیشن این است که به شما در پیش بینی و کنترل تاثیر معاملات خود بر روی ارزش پورتفولیو کمک می کند. بسیاری از معامله گران مقادیری متناقض را در هر معامله سرمایه گذاری می کنند

بی ثباتی، یا بیش از حد سرمایه گذاری در یک معامله واحد، منجر به خالی شدن حساب شما خواهد شد که می تواند شما را از بین ببرد. دانستن اینکه چقدر شما سرمایه تان را در یک معامله واحد در مقایسه با کل پورتفولیو تان به خطر می اندازید، به سرمایه‌گذاری شما کمک می‌کند که ثبات بیشتری داشته باشد.

معامله گران خوب گاهی اوقات در مورد نحوه محاسبه ریسک، یا حداکثر ریسک، از هر پوزیشن خاص متفاوت هستند. ما معتقدیم که با استفاده از فاصله بین نقطه ورودی و حد ضرر شما موثرترین راه برای تعیین حداکثر میزان ریسک است.

برای اندازه گیری پوزیشن خود، باید بدانید چقدر پول در حساب خود دارید، چه درصد از آن را می خواهید ریسک کنید و حد ضررتان چه میزان است. تصور کنید که یک حساب با ۱۰۰۰۰ دلار سرمایه در آن دارید و مایل هستید ۲ درصد را در یک معامله بد از دست بدهید. شما در حال بررسی پوزیشن خرید در یورو / دلار آمریکا در ۱٫۵۰۰۰ هستید و احساس می کنید که نیاز به یک حد ضرر ۵۰ پیپ برای آن معامله دارید. شما در حال حاضر آماده محاسبه اندازه پوزیشن خود با این فرمول هستید:

(مقدار حساب *x* ریسک%)/ مقدار دلارحد ضرر = اندازه پوزیشن (۱۰۰۰*۲%) / ۵۰ پیپ = ۴ مینی لات

ما از حد ضرر برای محاسبه حداکثر ریسک در فارکس استفاده می کنیم زیرا یک پوزیشن فارکس یک پوزیشن حاشیه ای است. این بدان معنی است که یک تعهد در بخش معامله گری برای جبران خسارت وجود دارد.

شما در واقع بیش از ۱۰۰۰۰ دلار پول در زمانی که معامله مینی لات را اتخاذ می کنید، در اختیار ندارید. کاری که شما واقعاً خودتان انجام می دهید تعهد شما است و بنابراین تعیین اندازه پوزیشن شما باید بر این اساس، و نه کل مقدار پوزیشن تصوراتتان، باشد. این برخلاف یک معامله سهام است، که در آن می توانید درخواست تحویل گواهی سهام را بکنید.

راهنمای سرمایه – کنترل درصد ریسک

چه میزان ریسک / حساب باید یک معامله گر استفاده کند؟ معامله گران حرفه ای متفاوت هستند و ۱٫۵ %، ۲ %، ۳ % یا ۵ % کل حساب خود را در هر معامله ریسک می کنند. زمانی که شروع به کار می کنید، بهتر است بیش از ۲ % ارزش حساب تان را بر روی هر معامله واحد ریسک نکنید. اگر تراز حساب شما بیش از حد کوچک باشد و یا اهرم زیادی را انتخاب کنید، حد ضرر شما کوچک خواهد بود و احتمالا مورد اصابت قرار خواهد گرفت.

به عنوان مثال، با یک حساب ۵۰۰۰ دلاری با استفاده از ۲۵ پیپ حد ضرر و به خطر انداختن ۲ % از حساب، شما ۳ مینی لات معامله خواهید داشت. ۲ % از ۵۰۰۰ دلار = ۱۰۰ دلار.

اگر ۱ مینی لات به اندازه یک دلار در هر پیپ ارزش داشته باشد

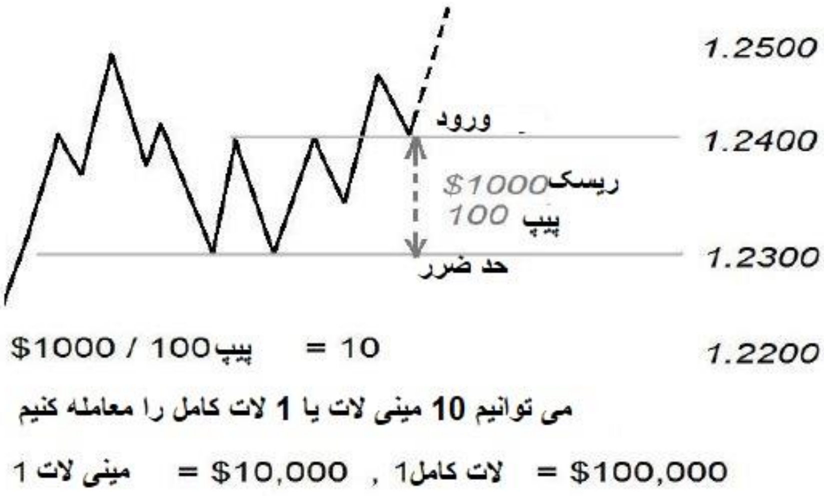
۱۰۰$/۲۵ پیپ = ۴ مینی لات

برای یک حساب ۵۰۰۰۰ دلار، ۲ % از ۵۰۰۰۰ دلار = ۱۰۰۰ دلار.

۱۰۰۰ $/ ۲۵ = ۴۰ مینی لات یا چهار لات کامل با ده دلار در هر پیپ.

برای یک حساب ۴۰،۰۰۰ دلاری و یک حد ضرر ۵۰ پیپ ، ۲ % = ۸۰۰ =۵۰/۸۰۰=۱۶ مینی لات یا ۱٫۶ لات کامل

محاسبه حد ضرر



شکل ٤٩

مهارت در احساسا بازار و روانشناسی آن

روانشناسی معامله گری

روانشناسی بازار

یک روش معامله گری عالی بدون تسلط بر احساسات خود و یادگیری در مورد روانشناسی بازار، بی‌فایده خواهد بود.

۱.ترس

ترس می‌تواند ناشی از ترس از دست دادن پول، ترس از اشتباه، ترس از ناپدید شدن و ترس از رها کردن پول روی میز معامله گری باشد.

ترس می‌تواند یک معامله گر را از بین ببرد و منجر به انفعال شود. می تواند باعث بیرون راندن دانش شود. ترس می تواند با یادگیری کنترل احساسات و ترس های کوچک مدیریت شود. سعی کنید خونسرد و متمرکز باقی بمانید.

قادر باشید بدون جایگزین کردن روش خود، زیان های متوالی را بپذیرید. با وجود ترس، معامله گران برنده اقدام مثبتی به عمل می‌آورد. از سرمایه خود در برابر ضرر و زیان جلوگیری کنید. تمام معامله گران قرار نیست که برنده باشند.

شما باید برای قبول ریسک مالی برای چیزی که هیچ کنترلی بر روی پیامد آن ندارید، آماده باشید اگر می‌خواهید معامله گر موفقی باشید. معامله گری بازی احتمالات است و هیچ چیز قطعی نیست.

سعی نکنید به جای پذیرفتن ضررهایی که با روش مورد استفاده تان کسب می کنید، معاملات برنده را انتخاب کنید. اگر شما ۵ معامله خود را پشت سر هم از دست بدهید، باید معامله بعدی را ادامه دهید. تمام روش ها کمی ضرر دارند و فقط به این علت که معامله شما ضرر کرد، شما بازنده نیستید. هر بار که احساس می‌کنید کار اشتباهی کرده اید در مورد خودتان قضاوت نکنید. اشتباهاتی رخ خواهد داد. هیچ کس یک معامله گر کامل نیست، پس اگر اشتباه کردید، خودتان را شکست ندهید. هر پولی که از دست رفته است، کمک مالی به سایر معامله گران است.

نگویید "من باید بهتر معامله کنم"، یا "من باید آن حرکت را می‌گرفتم"، یا "من باید X دلار امسال کسب می کردم". به افکار منفی گوش ندهید. بر آنچه می خواهید به دست آورید تمرکز کنید. روش خود را آزمایش کنید و آن را اصلاح کنید چرا که می دانید بیشتر از ضررهایتان پول به دست خواهید آورد.

تنها با پولی معامله کنید که می‌توانید از دست بدهید و اهداف واقع گرایانه ای را تعیین کنید. سعی نکنید در سال اول ۵۰۰۰۰۰ دلار بگیرید.

معامله در یک مکان آرام و بدون احساسات انجام دهید. آنچه را که در آن خوب هستید و آنچه را که در آن خوب نیستید، بشناسید.

۲. حرص

معامله گران هجومی به معاملات زیادی وارد خواهند شد و یا در معامله بیش از حد طولانی باقی خواهند ماند و معامله بر ضد آن‌ها پیش خواهد رفت. نیازی به حریص بودن در معامله نیست، زیرا یک فرصت معاملاتی خوب دیگر به زودی به پایان خواهد رسید. سعی نکنید یک معامله بزرگ داشته باشید که شما را ثروتمند کند.

۳. اعتماد به نفس بیش از حد

یک معامله گر با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است بسیار زیاد معامله کند و یا ریسک زیادی برای پاداش بسیار کمی داشته باشد. باید بدانید که یک الگو در گذشته چقدر موفق بوده است. بدون اینکه فکر کنید و یا تکلیف خود را انجام دهید، با یک حدس و گمان وارد معامله نشوید.

سرخوشی احساسی است که فکر می کنید، نمی توانید هیچ کار اشتباهی انجام دهید. از آنجا که معامله یک بازی احتمالات است، معامله کنندگان زمان هایی را تجربه خواهند کرد، که نمی توانند اشتباهی مرتکب شوند اما اینها موقتی هستند. خطر این است که یک معامله گر ریسک زیادی کند و با ضرر زیادی مواجه خواهد شد.

۴. اعتماد

معامله گران موفق با استفاده از روش خود، بارها و بارها در طول زمان، مقدار زیادی اعتماد به نفس در خود ایجاد می‌کنند تا اینکه آن ها بدانند روش آن ها تا چه حد موفق است.

۵. عدم توانایی در کشیدن ماشه معامله

اگر شما یک معامله گر ارز هستید، باید بابت زمان و تلاش خود پول کسب کنید. شما باید در بازار باشید تا پول به دست آورید. شما باید به سرعت تصمیم بگیرید، اگر نه معامله از آنجا عبور خواهد کرد، و یا زمانی که قیمت در حال حاضر در پایان یا نزدیک به پایان حرکت است وارد معامله خواهید شد. معاملات را به سرعت و قاطعانه انجام دهید. معاملات خود را به تعویق نیندازید و یا بیش از حد آنالیز نکنید.

همیشه در ذهن ما شکی وجود خواهد داشت. این طبیعت معامله گری است. برنامه کاری خود را دنبال کنید. احساسات خود را کنترل کنید. با عذر و بهانه برای عدم موفقیت معامله نکنید. آماده سازی و درک مورد نیاز است. ایجاد عادات معاملاتی خوب مورد نیاز است. صبر کنید تا تنظیمات معاملاتی قبل از انجام، روشن و واضح شوند. اگر از حد ضرر ذهنی استفاده می کنید، باید در آنجا نیز اقداماتی انجام دهید.

۶. خروج زودهنگام از معامله

برخی معاله گران به محض اینکه شروع به معامله کنند، معامله خوبی را انجام میدهند. بعداً قیمت در مسیری که آن ها انتخاب کردند حرکت می کند. این بسیار خسته کننده است چون معامله گر موفق اجازه می دهد تا سود، خود را به اهدافش برسانند. قیمتها به صورت زیگ زاگ حرکت می کند.

بازگشت ها قابل انتظار هستند. قیمت در تمام مدت صاف بالا یا پایین نمی رود.

برخی از معامله گران به محض اینکه ۵ پیپ، ۱۰ پیپ و غیره به دست می آورند از یک معامله خارج می شوند، اگر به معامله اجازه دهند تا به هدف مورد نظر خود برسد، مقدار زیادی پیپ به دست خواهند آورد.

برخی از معامله گران موفق روزانه، معامله ای را با حد ضرر و سفارش محدود برای کسب سود در یک سطح مشخص انجام می دهند و سپس آن ها از چارت دور می‌شوند و تلویزیون تماشا می کنند یا برای پیاده روی می روند، بنابراین معامله، فرصتی برای توسعه بدون دخالت معامله گران دارد.

۷. قضاوت

در نهایت، معامله گران قضاوت خوب و شهود را از تجربه خود توسعه خواهند داد. بنابراین تسلیم نشوید. معامله گری شما با زمان و پایداری بهبود خواهد یافت. بر روی قسمت های مختلف تمرین کنید، و حس درونی خوب، توانایی های شما را در طول زمان گسترش می دهد.

۸. چک لیست

با استفاده از یک چک لیست یا طرح معاملاتی، یک تنظیمات یا الگویی که باید مورد توجه قرار دهید را نادیده نخواهید گرفت. چک لیست معاملاتی شما نیز به شما اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد.

۹. کار کردن با هنر خود

شما باید عاشق پیدا کردن الگوها، کشف الگوها و تحقیقات باشید. بسیاری از معامله گران خوب این بازی را خودشان دوست دارند. دریافت پول بابت آن یک پاداش است. برای معامله گران موفق، معامله گری سرگرمی است و قواعد آن ها بدون نقص اجرا می شوند.

۱۰. انضباط

یک معامله گر، زمانی که یک سیگنال ورودی در چارت ظاهر می شود باید ماشه معامله را بکشد و میزان حد ضرر را محاسبه کند. اگر سیگنالی وجود نداشته باشد، معامله گر نباید معامله انجام دهد. زمانی که شروع به معامله گری می کنید از روش خود منحرف نشوید. روش خود را بارها و بارها برای بهره برداری از یک سیستم معاملاتی سودآور استفاده کنید. تکرار، مهارت های شما را می سازد.

نظم و انضباط تعهد یک معامله گر برای پیروی از قوانین معاملاتی، رسیدگی به احساسات و پایبندی به قوانین مدیریت مالی را تعیین می کند. بازار فارکس به شما نظم و انضباط می دهد.

۱۱. تعهد

یک معامله گر باید شور و شوق برای موفقیت در معامله را داشته باشد و از آن لذت ببرد. حاضر باشید هرکاری که برای رسیدن به هدفتان لازم است را انجام دهید. تعهد تضمین می کند که معامله گر می تواند چندین معامله ضررده را سپری کند و سپس معاملات سودآور خود را ادامه دهد. معامله گران موفق به شدت هدف گرا، منظم و جاه طلب هستند.

۱۲. تمرکز

سعی کنید از قطع رابطه با دوستان و بستگان خود اجتناب کنید. سعی نکنید سیستم های بیشتر و روش های ورود را یاد بگیرید، باید به آنچه دارید پایبند باشید و تمرکز کنید. همه معامله گران تمایل طبیعی خود را برای خواستن بیشتر احساس می کنند و می خواهند به جستجو ادامه دهند. آن ها پول را از دست می دهند و آن ها بر این باورند که اشتباهی مرتکب شده اند. این نوع تفکر بسیار اشتباه است. جستجو در اینترنت، خواندن بسیاری از کتاب ها، شک و تردید در مورد آنچه که انجام می‌دهید، همه نشانه‌های واضح و روشنی هستند که شما فاقد تمرکز هستید.

۱۳. صبر

کسل نشوید و معاملات غیر ضروری انجام ندهید. منتظر تنظیمات معاملاتی مناسب باشید تا به راه خود ادامه دهید. تنظیمات تجاری را با دقت بیشتری معامله کنید.

۱۴. ثبات

معامله گری را ساده نگه دارید و قوانین را رعایت کنید تا بتوانید به یک اساس ثابت پول دست پیدا کنید. سود از هفته تا هفته دیگر متفاوت خواهد بود، و بله شما چند هفته یا چند ماه ممکن است ضرر دهید. سعی کنید در حاشیه بمانید تا اینکه به طور مداوم در بازار مشغول باشید. صبورانه منتظر تنظیمات معاملاتی باشید، معاملات را تنظیم کنید و بروید. با ثبات بودن، در مورد آوردن هر ویژگی از معاملات موفق در کنار یکدیگر و اجرای هر روز آن است.

خلاصه

شما در حال حاضر تنها چند ساعت را صرف مطالعه ی این دوره ی معاملات رفتار قیمت کرده اید و مفاهیم مختلفی را که مطرح شد، در نظر گرفته اید. من طرز فکر معامله گری، تمام خرد و دانش خود را فاش کردم، تمام ابزارهای من، تمام روش های ورودی رفتار قیمت، و غیره را می دانید.

شما باید اصول پویایی قیمت، روندها، روش پیدا کردن روندها و روشی که ما الگوهای قیمت را در روندها و غیره انتخاب می کنیم، درک کنید.

بدون توجه به روش هایی که دوست دارید، من می خواهم چند مورد را انتخاب کنید و بر آن ها مسلط شوید. یک مبتدی می تواند با روش های دنباله رویی از روند شروع کند، و از سیگنال های رفتار قیمت برای ورود به معاملات روزانه یا از چارت‌های روزانه، استفاده کند.

حالا که این اطلاعات را دارید، می خواهید با آنها چه کار کنید؟ اگر می خواهید مطالعه ی خود را ادامه دهید، این کار را انجام دهید، و اگر می خواهید با آنها معامله کنید، باید یک برنامه ی معامله‌گری درست کنید و آن را عملی سازید.

برنامه ی معامله‌گری شما، درباره میزان ریسک در هر معامله، پاداش به ریسک مورد نظر شما در هر معامله و البته حفظ نظم برای ورود به تنظیماتی که انتخاب می کنید، خواهد بود. چارت های روزانه، مکان خوبی برای شروع به کار هستند.

بدیهی است که برخی از شما هنوز در مورد برخی موضوعات سردرگم خواهید بود، پس این دوره را به دقت بخوانید و به چارت خود نگاه کنید، همه چیز معنادار خواهد شد، به شرطی که تنها تعداد کمی از تنظیمات معاملاتی که در آنها مهارت دارید را دنبال کنید. من شخصا روندها را دوست دارم، و همواره تمام زمان خود را صرف یافتن تنظیماتی با روندها ، ورودی های پین بار و کندل درونی، می کنم.

بیش از ۱۰ استراتژی در این دوره به شما نشان داده شد، برخی شما را، اگر آن ها را کنترل کنید، ثروتمند خواهند کرد ، و برخی شما را ، اگر تنها یک روش را به تنهایی دنبال کنید، فقیر می کنند. صادقانه بگویم، شما باید تعداد کمی از آن ها را پیدا کنید، نه تنها یک مورد و نه تمام آنها را، از آن هایی استفاده کنید که به خوبی با شخصیت شما وفق می یابند و متناسب با محدودیت های زمانی شما هستند.

اکنون زمان آن رسیده است که برنامه ی خود را تهیه کنید، چند صفحه ی بعد، اصول اولیه ی طرح معاملاتی من را شرح داده است.

نکات پایانی

- ✓ من از کندل های نیویورک استفاده می کنم. سایت های www.fxlite.com یا www.tradestation.com این چارت ها را فراهم می کنند.
- ✓ هر روز که از خواب بیدار می شوم، جفت ارزها را بررسی میکنم و هر سیگنال رفتار قیمتی واضحی مثل کندل درونی، پین بار، یا یک تنظیمات کاذب را تشخیص می دهم.
- ✓ اگر کندل درونی با این روند پیدا کنم، به دنبال ادامه ی روند هستم، اما اگر مخالف روند میان مدت باشد، من به یک شکست کاذب بالقوه که در حال ساخت است، توجه می کنم ، به یاد داشته باشید، تنظیمات کاذب در این نقطه تایید نشده است، پس این یک ورودی معلق است. پس از یک پین بار روزانه، معمولا برای ورود به پین بار، برای ۳۸ تا ۵۵ درصد اصلاح صبر خواهم کرد. اگر بازار روند دار است، و این روند در حال حاضر قدرتمند و به سرعت در حال حرکت باشد، من به طور حتم، پین بار روزانه را معامله خواهم کرد.
- ✓ من از قبل حمایت و مقاومت زیادی در چارت های خود رسم کرده ام ، اما در صورتی که همه چیز یک شبه تغییر کرده باشد، این خطوط را روی چارت ها اصلاح خواهم کرد. یک حرکت در بازار، به وضوح حمایت و مقاومت نوسان کوتاه مدت کلیدی من را تغییر خواهد داد، بنابراین کاملا متوجه ی این سطوح هستم.
- ✓ من توجه خود را به روند کوتاه مدت فعلی در چارت میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ و همچنین میانگین متحرک نمایی۱۵۰ و ۳۶۵ یک ساعته معطوف می کنم.
- ✓ من همه چیز را در کنار هم قرار می دهم و در مورد تنظیمات معاملاتی که دوست دارم تصمیم می گیرم. من تصمیم می گیرم که آیا بازار بر روی خط روند به دنبال میانگین متحرک است، یا نزدیک به حمایت و مقاومت افقی کوتاه یا بلندمدت واضح و غیره است؟ آیا هر سیگنال در نزدیکی حوزه‌های مربوطه رخ می دهد یا آن ها همراه با روند وسیع تر شکل می گیرند؟
- ✓ اگر بازار پیش از این، رنج حرکت می کرد، آیا حرکت رونددار روزانه مشخصی وجود داشت که یک شبه مقاومت و حمایت کلیدی را بشکنند؟ اگر وجود داشت، باید آن سطح را در چارت خود یادداشت کنم.
- ✓ اغلب تنظیمات کاذب با بازارهای روند دار، یا درست در کنار حمایت یا مقاومت، یا نقاط حساس اصلاحی، بهتر کار می کنند. بنابراین تنها در صورت مشاهده ی آن، وارد یک معامله می شوم.

- ✓ کندل‌های درونی در صورتی معامله می شوند که به وضوح، با یک روند قدرتمند موجود شکل بگیرند، زمانی که شکست یک کندل درونی را معامله می کنم، به طور ایده آل من کندل درونی می خواهم که کوچک ترین کندل ۴ یا حتی ۷ روز گذشته باشد. (۴nr و ۷nr روز). هرچه حمایت و یا مقاومت در آن نزدیکی کم تر باشد، الگوی کندل درونی پتانسیل بیشتری برای حرکت در جهت دلخواه ما دارد، اگر سطح نزدیکی وجود داشته باشد، شما ممکن است بخواهید قبل از ورود به کندل درونی، به انتظار شکست حمایت یا مقاومت بمانید.

- ✓ کندل های درونی روزانه بی اهمیت شمرده می شوند، زیرا آنها می توانند تبدیل به تنظیمات کاذب شوند.

- ✓ اگر یک روند قوی در چارت روزانه وجود داشته باشد، با یک اقدام سریع رفتار قیمت در یک جهت، من به طور فعال به دنبال ورود به یک معامله در جهت آن روند، با استفاده از یک حرکت مخالف برای ورود به مناطق میانگین متحرک نمایی ۸ ،۲۱ یا ۵۰ روزه هستم. این امر در مورد چارت های روند ۱ ساعته نیز صدق می کند.

- ✓ پین بار روزانه با یک کندل درونی بعد از اینکه قدرت یافت و فعال شد، معمولا اگر روند موافق باشد، یا اگر سیگنال، نزدیک یا در سطح افقی کلیدی واضح اتفاق بیفتد، معامله در هر زمانی انجام می شود.

توصیه‌هایی برای معاملات درون روز

من در زمانی که بازار به روشنی در یک طرف خط روند یا جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ قرار دارد، با پین بار ۲۴۰ دقیقه ای معامله خواهم کرد.

من پین بار ۲۴۰ دقیقه ای را معامله خواهم کرد، ۲۴۰ دقیقه ای کاذب یا ۲۴۰ دقیقه درون کندل در جهت جریان آشکار را معامله خواهم کرد.

در هنگام خرید میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ ساعته، ما از سیگنال های ۱ ساعته و یا در ترکیب با چارت های ۲۴۰ دقیقه ای وارد معامله می شویم.

در چارت ۲۴۰ دقیقه ای و ۱ ساعته، من به دنبال یک شکست کاذب از یک سطح نوسانی حمایت یا مقاومت (سقف‌ها و کفهای اخیر) این مناطق هستم.

در زمانی که بازار به وضوح در یک طرف خط روند یا در جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ ساعته قرار دارد، من پین بار ۲۴۰ دقیقه ای و کندل درونی را معامله می کنم. (ما به طور واضح چارت ها را برای قضاوت مناسب، ترکیب می کنیم).

پین بارهای بزرگ ۱ ساعته، یا دسته های درون کندلی کاذب ۱ ساعته که در یک خط با حرکت روند قدرتمند شکل می گیرند، سیگنال های واضحی هستند! سقف ها و کف های جدید در یک روند، سرنخ های خوبی برای روندهای قدرتمند می‌باشند.

شما ممکن است بخواهید از پین بار یا کندل درونی ۱ ساعته یا ۲۴۰ دقیقه ای، برای تصمیمات معاملاتی روزانه استفاده کنید. به خاطر داشته باشید که چارت ها، هنگامی که با یکدیگر هم تراز می شوند، بهتر کار می کنند. تنظیمات پین بار در چارت روزانه اغلب، از طریق سیگنال های درون روز، یا همان روز یا روز بعد نیز تایید می شوند.

فکر نهایی من

بدون توجه به جایگذاری دستور حدضرر و حدسود، اگر شما یاد بگیرید که تنها چند استراتژی رفتار قیمت را مدیریت کنید و این شرایط اولیه را در چارت خود داشته باشید، در مسیر خوبی قرار گرفته اید.

سیستم معاملاتی سودآور شما، رفتار قیمت است، یاد بگیرید چارت ها را بخوانید و برای سطوح کلیدی، پین بارها، کندل‌های درونی و شکست های کاذب، آنها را جستجو کنید.

در طول زمان شما با استفاده از مدیریت پول، سطوح سود و ضرر، به یک معامله گر خوب تبدیل خواهید شد. نمی توانم آن سطوح را به شما بدهم، زیرا همیشه بازار در حال تغییر است. من سیگنال هایی را که برای من کار می کنند به شما داده ام، حالا باید یاد بگیرید به دنبال سیستم هایی بگردید که با آنها راحت تر هستید و معامله گری خود را مدیریت کنید.

دوباره می گویم، هیچ سیستم یا روش صحیحی برای ورود و خروج وجود ندارد. تنها بخش سیستماتیک معامله گری من، تنظیمات ورودی رفتار قیمت است، زمانی که شرایط ورود را مشاهده می کنم، به دنبال مکانی منطقی برای حد ضرر و حد سود می گردم، و اگر یک نسبت پاداش به ریسک بین ۲٫۵ تا ۱ یا بیشتر اعمال کنم، سود حساب من همواره از خودش مراقبت خواهد کرد.

به یاد داشته باشید، بازارها می توانند تنها با xyz درصد در هفته حرکت کنند، بنابراین اگر حدضرر شما گسترده باشد، حد سود شما نیز گسترده تر خواهد بود و شما در یک افق زمانی از چند روز تا چند هفته قرار خواهید گرفت.

صبور باشید و زمانی که یک تنظیم معاملاتی فعال است، آن را دست کاری نکنید.

محتوای این دوره، یک کار درحال توسعه است و شما ۱۰ برابر مقدار پولی که برای آن پرداخت کرده اید را دریافت خواهید کرد.

جمع بندی کامل یک دوره، زمان بر خواهد بود و من نیز در حال یادگیری توضیح مسائل گوناگون هستم، پس لطفا صبور باشید.

موفق باشید و معامله گری امنی داشته باشید

سوالی هست؟ پست الکترونیک من:

maverictrading@bigpond.com

نایل فولر

هدف فارکس یار گسترش دانش بازارهای مالی به زبان فارسی است.

فارکس و تجارت در آن تخصص ماست و با توجه به فقدان محتوای فارسی غنی شده و بروز در ایران، رسالت خویش دانستیم تا در این حوزه به جامعه معامله گران بازار فارکس خدمت رسانی کرده باشیم.

ارتقاء دانش معاملاتی یکی از ارکان موفقیت معامله گران می باشد. لذا سعی کنید در اوقات فراغت خود، حتی اگر معامله گر موفقی هستید در زمینه تجارت خویش مطالعه داشته باشید.

آخرین محتوای ترجمه شده توسط تیم تخصصی فارکس یار